

خلاصه‌ای در علوم قرآن

خلاصة علوم القرآن

همراه با پرسش‌ها و تمرین‌های آموزشی

إعداد

الفقير إلى عفو ربه

الشيخ د. هيثم بن محمد سرحان

فارسی | الفارسیة

چاپ اول | الطبعة الأولى

۱۷ اکتبر ۲۰۲۶

الحقوق متاحة لكل مسلم بشرط عدم تغيير المحتوى

sarhaan.com
mahadsunnah.com

خلاصه‌ای در علوم قرآن

خلاصه علوم القرآن
همراه با پرسش‌ها و تمرین‌های آموزشی

إعداد

الفقير إلى عفوره

الشيخ د. هيثم بن محمد سرحان

فارسی

الفارسية

چاپ اول • الطبعة الأولى

۷ اکتبر ۲۰۲۶ • ۷ اکتبر ۲۰۲۶

الحقوق متاحة لكل مسلم بشرط عدم تغيير المحتوى
استفاده برای هر مسلمان مجاز است، به شرط تغییر ندادن محتوا.

sarhaan.com

mahadsunnah.com

مقدمه

حمد و ستایش مخصوص خداوند است؛ او را ستایش می‌کنیم، از او یاری می‌جوییم، و از او آمرزش می‌طلبیم. از شرارت نفس‌های مان و بدی‌های کردارمان به خدا پناه می‌بریم. هرکس را خدا هدایت کند، گمراه‌کننده‌ای برای او نیست، و هرکس را گمراه کند، هدایت‌گری برای او نخواهد بود. شهادت می‌دهم که هیچ معبودی جز خدا نیست، یکتا است و شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه وسلم بنده و پیامبر اوست.

این خلاصه‌ای ساده و روان در علوم قرآن است، همراه با متن منظومه‌ی تفسیری "عزالدین الزمزمی" رحمه‌الله. این نوشته برای دانش‌آموزان مبتدی و علاقه‌مندانی که می‌خواهند به شکلی آسان با این علم شریف آشنا شوند، تنظیم شده است در این خلاصه این روش‌ها را دنبال کرده ایم.

تنظیم مطالب به صورت جدول‌بندی‌شده برای سهولت فهم.

قرار دادن تست‌هایی که به دانش‌آموز کمک می‌کند تا خویش را ارزیابی کند.

و هر کس که خواهان دانش بیشتر در این علم عظیم است، پیشنهاد می‌شود کتاب "أصول في التفسير" تألیف علامه محمد صالح العثیمین رحمه‌الله با شرح مولف را مطالعه کند و برای راحتی دانش‌آموز روی نگارش و جدول‌بندی آن کار کرده ایم. از خداوند خواهانیم که این کار را خالصانه برای خویش بپذیرد و آن را به نفع نویسنده و خواننده قرار دهد.

اصول دهگانه برای علوم قرآن

تعریف:

مطالعات کلی مربوط به قرآن کریم از حیث نزول، ترتیب، جمع‌آوری، تدوین، نگارش، تفسیر، اعجاز، آیات ناسخ و منسوخ و موارد دیگر.

موضوع:

قرآن کریم.

ثمره (نتیجه):

تلاوت قرآن کریم و فهم آن چنانچه مطلوب خداوند متعال می‌باشد.

تدبر و تفکر در کلام خداوند متعال

حفظ آن از تغییر

استنباط صحیح برای احکام

دفاع از قرآن

شناخت فضیلت سلف و تلاش و عنایت آنان به قرآن

مقدمه‌ای برای یادگیری تفسیر

فضیلت:

از شریف‌ترین و بهترین علوم است، به دلیل ارتباط با شریف‌ترین و با عظمت‌ترین کتاب‌ها

نسبت:

مجموعه‌ای از موضوعات مرتبط با قرآن کریم است.

بنیان‌گذار:

نخستین کسی که درباره آن نوشت ابوالحسن الحوفی در کتاب البرهان می‌باشد و گفته شده شخص دیگری است. شافعی پیش از او تعدادی از احکام تفسیری را بیان کرده است.

اسم:

به صورت کلی به آن "علوم القرآن" و همچنین "اصول التفسیر" نیز گفته می‌شود.

برگرفته:

از قرآن، سنت، اقوال صحابه، اقوال تابعین، معنای شرعی و لغوی.

حکم:

فرض عینی: آن چیزی است که به اصلاح عقیده و عبادت و سایر واجبات فردی مربوط می‌شود.

فرض کفایی: غیر از آن چیزهایی که در بالا اشاره شد.

مسائل:

مواطن نزول، اوقات آن و وقایع مرتبط با آن، سند، أداء، الفاظ، معانی متعلق به احکام، معانی متعلق به الفاظ و آنچه متعلق به اشخاص است

پرسش‌هایی پیرامون مطالب گذشته:

قرآن شامل تمامی علوم مفید است: درست/ نادرست.

راه علم حقیقی بر پایه علم وحی است: درست/ نادرست.

آیا پیشینیان به علوم قرآن اهمیت می‌دادند؟	بله/ خیر / برخی از آنان.
---	--------------------------

علوم قرآن از هر علم دیگری برتر است: درست/ نادرست.

صحابه در به دست آوردن علوم قرآن بر فهم درست و درک عمیق / بیان قرآن کریم / اعجاز قرآن کریم / و همه موارد ذکر شده تکیه داشتند.

منظور از علوم قرآن، مباحثی است که به قرآن کریم از جنبه‌های نزول، اعجاز، جمع‌آوری، ترتیب، ناسخ و منسوخ، و قرائت آن مربوط می‌شود: درست / نادرست.

در دریافت علوم قرآن کریم توسط تابعین، آنها بر روایت و تلقین / نوشتن و تدوین / ا و ب / بیان قرآن کریم تکیه داشتند.

اولین علم از علوم قرآن که تدوین شد، علم حدیث / علم تفسیر / علم فقه و اصول / علم کلام بود.

گفته می‌شود: "علوم قرآن" به صورت جمع، و نه "علم قرآن" به صورت مفرد. درست / نادرست.

علوم قرآن به صورت جمع است زیرا همه علوم از آن گرفته شده‌اند: درست / نادرست.

ما می‌گوییم: "علوم قرآن" به صورت جمع، اما در سایر علوم می‌گوییم: "علم فقه"، "علم نحو"، "علم فرائض" و غیره.

درست / نادرست.

علوم قرآن متعدد است؛ زیرا قرآن پربرکت است:	برای تسهیل مطالعه / برای ایجاد انگیزه / هر دو.
--	--

از فواید علوم قرآن، دانش بالای قرآن کریم است: درست / نادرست.

از فهرست راست، موارد متناسب با فهرست چپ را به هم وصل کنید:

تعریف	از آن مواردی است که فرض عین و از آن مواردی است که فرض کفایه است
بنیان گذار	مباحث کلی که به قرآن کریم مربوط می‌شود.
موضوع	ابوالحسن الحوفی رحمه‌الله در "البرهان".
حکم	علوم قرآن و اصول تفسیر.
اسم	قرآن کریم

فصل دوم: قرآن کریم

تعریف قرآن از دیدگاه شرعی:

قرآن کلام واقعی خداوند متعال است که بر رسول و خاتم پیامبران، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، نازل شده است. با سوره‌ی «فاتحه» آغاز و با سوره‌ی «ناس» ختم می‌شود.

قرآن به چه کسانی نسبت داده می‌شود؟

به خداوند: چون کلام اوست، لفظ و معنا نیز از جانب اوست.

به جبرئیل علیه السلام: **إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ**. بی‌گمان این (قرآن) سخن فرستاده بزرگوار (جبرئیل) است. که (مقتدر و) نیرومند است. (تکویر)

به پیامبر صلی الله علیه وسلم: **إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ يَقُولُ شَاعِرٌ بِي تَرَدِيدٍ** این (قرآن) گفتار رسول بزرگوار است. و این‌ها گفتار شاعری نیست،

نام‌های قرآن:

القرآن: به معنای خواننده جامع، و خوانده شده جمع‌آوری شده.

الذکر: در آن موعظه‌ها و هشدارها، و آن چه مردم در امور "دنیا و آخرت خود به آن نیاز دارند، وجود دارد، و آن دارای شرف و منزلت بالایی است."

الفرقان: جدا کننده بین حق و باطل.

الکتاب: در بر دارنده انواع داستان‌ها، احکام و اخبار است.

التنزیل: نازل شده از سوی خداوند متعال به سوی مردم.

از اوصاف آن این است که:

عظیم: **﴿وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾** [الحجر: ۸۷].

کتاب مبارک: **﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ﴾** [ص: ۲۹].

کریم: **﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾** [الواقعة: ۷۷].

به راه راست هدایت می‌کند: **﴿يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾** [الإسراء: ۹].

بسیار تأثیرگذار: **﴿لَوْ أَنْزَلْنَاهُ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾** [الحشر: ۲۱].

روشنگر همه چیز و هدایت و رحمت و بشارت: **﴿رَبِّانَا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهْدَى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى﴾** [النحل: ۸۹].

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

از صفات قرآن کریم: نور/ عزیز/ مبارک/ مجید/ موعظه/ کریم/ مبین/ مهیمن/ بلاغ/ حکیم/ همه موارد.

مطلوب از قرآن، فهم معانی آن و عمل به آن است، و اگر این هدف حافظ آن نباشد، از اهل علم و دین نیست: درست/نادرست.

چرا می‌گوییم قرآن کلام حقیقی خداست؟ برای نفی مجازی بودن آن/ برای اثبات صفات خداوند عزوجل/ برای اثبات صفت کلام/ همه موارد.

لازم است در تعریف قرآن قید بیاوریم که بر پیامبرش محمد (ص) نازل شده است تا سایر پیامبران خارج شوند: درست/نادرست.

"از او آغاز شد" یعنی خداوند عزوجل ذاتی است که ابتدا به آن سخن گفت، و "به سوی او باز می‌گردد":	به صورت وصف آن/قبضاً در آخرالزمان هنگامی که مردم عمل به آن را ترک می‌کنند آن را بر می‌دارد/ همه موارد.
--	---

در نامیدن قرآن کریم به ذکر، اسراری نهفته است، از جمله: شرف عظیم آن/ اخبار و داستان‌های پیشینیان با اقوامشان/ مواعظ و هشدارها/ همه موارد ذکر شده.

در نامیدن قرآن به فرقان، نشانه‌ای است بر اینکه: بین حق و باطل فرق گذاشته است/ بین مؤمن و کافر فرق گذاشته است/ بخش‌هایی از آن در نزول از هم جدا شده‌اند/ همه موارد	ذکر شده.
--	-----------------

قرآن کریم به صورت /مشهور/ آحاد/ متواتر/ به ما منتقل شده است.

امت اسلامی اجماع دارد بر اینکه منظور از حفظ در آیه "و إنا له لحافظون" [حجر]: حفظ در سینه‌ها/ حفظ آن بر مکلفین برای عمل به آن/ یا صرف تلاوت آن	است.
--	-------------

از نام‌های قرآن کریم: حکمت. درست/ نادرست.

اوصاف قرآن کریم متعدد است، از جمله: ذکر و فرقان. درست/نادرست.

از فهرست راست، موارد متناسب با فهرست چپ را به هم وصل کنید:

جبرئیل (ع)	"إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ يَقُولُ شَاعِرٍ" [الحاقه].
-------------------	--

محمد (ص)

"إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ" [التكوير].

فراوانی نام‌ها نشان‌دهنده (شرف نامیده شده/ کمال آن در امری از امور/ یا همه)، و فراوانی نام‌های قرآن نشان‌دهنده (شرف آن/ فضیلت آن/ یا همه) است.

خلاصه‌ای از سوره‌ها و آیات قرآن:

تعداد سوره‌های قرآن: ۱۱۴
 بزرگ‌ترین سوره در قرآن: فاتحه
 تعداد آیات قرآن: ۶۲۳۶
 سوره‌ای بدون بسم‌الله: توبه
 تعداد جزءهای قرآن: ۳۰
 سوره‌ای با دو بسم‌الله: نمل
 تعداد حزب‌های قرآن: ۶۰
 تعداد سوره‌های مکی: ۸۶
 تعداد ربع‌های هر حزب: ۴ ربع
 تعداد سوره‌های مدنی: ۲۸
 تعداد ثمن‌ها در هر حزب: ۸ ثمن
 تعداد سجده‌ها: ۱۵
 تعداد ثمن‌ها در قرآن: ۴۸۰ ثمن
 سوره‌هایی که با حمد آغاز می‌شوند: ۵
 اولین سوره در مصحف: فاتحه
 سوره‌هایی که با تسبیح آغاز می‌شوند: ۷
 آخرین سوره در مصحف: ناس
 سوره‌هایی که با قسم آغاز می‌شوند: ۱۵
 کوتاه‌ترین سوره‌ها: عصر، نصر و کوثر
 سوره‌هایی که با (إِنَّا) آغاز می‌شوند: ۴
 تعداد آیات کوتاه‌ترین سوره: ۳
 اولین آیه‌ای که نازل شد: ابتدای سوره علق
 بلندترین سوره: بقره
 آخرین آیه‌ای که نازل شد: بقره، آیه ۲۸۱
 تعداد آیات بلندترین سوره: ۲۸۶
 آخرین سوره‌ای که نازل شد: نصر
 بزرگ‌ترین آیه: آیه‌الکرسی
 اولین سوره از سوره‌های مفصل: مرسلات

بلندترین آیه: آیه دین
آخرین سوره از سوره‌های مفصل: ناس

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

تقسیم‌بندی با سوره‌های کامل بهتر از تقسیم‌بندی با آیات است: درست/ نادرست.
قرآن از نظر معانی و تأثیر بزرگ‌تر می‌شود نه از نظر گوینده: درست/ نادرست.

از قسمت (الف) به قسمت (ب) وصل کنید:

الف	ب
تعداد سوره‌های قرآن:	۳۰
تعداد احزاب قرآن:	۶۰
تعداد اجزاء قرآن:	۴۸۰
تعداد یک هشتم‌های قرآن:	۱۱۴

از قسمت (الف) به قسمت (ب) وصل کنید:

الف	ب
سوره‌هایی که با حمد شروع می‌شوند:	۴
سوره‌هایی که با تسبیح شروع می‌شوند:	1
سوره‌هایی که با قسم شروع می‌شوند:	7
سوره‌هایی که بدون بسم‌الله شروع می‌شوند:	15
سوره‌هایی که با "إِنَّا" شروع می‌شوند:	5

از قسمت (الف) به قسمت (ب) وصل کنید:

الف	ب
تعداد سوره‌های مکی:	28
تعداد سوره‌های مدنی:	15
تعداد سجده‌ها:	86
تعداد آیات کوتاه‌ترین سوره:	286

تعداد آیات بلندترین سوره:	3

وحی و متعلقات آن:

انواع وحی:

شرعی: وحی خداوند متعال به پیامبران در مورد شریعت‌ها و هفت مرتبه دارد.
لغوی: وحیی که برای همه مخلوقات است و شش نوع دارد.

مراتب نزول وحی شرعی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم):

رؤیای صادق: که آغاز وحی بر ایشان بود.
القای فرشته در قلب ایشان: بدون آنکه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) او را ببیند.
فرشته در صورت مردی: که با ایشان سخن می‌گفت تا آنچه می‌گوید را درک کنند.
مانند صدای زنگ: که سخت‌ترین نوع وحی بر ایشان بود.
دیدن فرشته به صورت اصلی خود: که دو بار برای ایشان اتفاق افتاد.
وحی مستقیم: در بالای آسمان در شب معراج؛ مانند فرض شدن نماز.
سخن گفتن خداوند با ایشان بدون واسطه: در شب معراج؛ همانگونه که با موسی (علیه السلام) سخن گفت.

انواع وحی لغوی:

الهام فطری به انسان سالم: مانند وحی به مادر موسی (علیه السلام).
الهام غریزی به حیوان: مانند وحی به زنبور عسل.
امر تکوینی به جمادات: ﴿بَانَ رَبُّكَ أَوْحَىٰ لَهُ﴾ [زلزله].
آنچه به فرشتگان القا می‌کند: ﴿إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ﴾ [انفال: ۱۲].
اشاره سریع با عضوی از بدن: ﴿فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا﴾ [مریم: ۱۱].
وسوسه شیطان: ﴿يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ﴾ [انعام: ۱۱۲]

آغاز نزول وحی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم):

رؤیای صادق: از عایشه (رضی الله عنها) روایت است که گفت: «نخستین چیزی که وحی بر رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) با آن آغاز شد، رؤیای نیکو در خواب بود.» (متفق علیه)

نزول قرآن: آغاز نزول آن هنگامی بود که ایشان چهل ساله شدند، در شب قدر، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ [قدر: 1]، و آن در ماه رمضان بود، ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ [بقره: ۱۸۵].

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

منظور از آیه "وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ" [القصص:]، وحی لغوی/ وسوسه شیطانی/ وحی شرعی/ همه موارد ذکر شده است.

پیامبر (ص) فرمود: "گاهی اوقات مانند (صدای زنگ/ رؤیا در خواب/ شکل یک مرد) به من می‌رسد و این سخت‌ترین آن برای من است."

گاهی جبرئیل (ع) به شکل مرد ظاهر می‌شد و بیشتر اوقات به شکل عمر بن خطاب (رض)/علی بن ابی طالب (رض) / دحیه کلبی (رض) می‌آمد.

جبرئیل (ع) هر سال یک بار قرآن را با پیامبر (ص) مرور می‌کرد و در سالی که پیامبر (ص) وفات یافت، آن را دو بار/سه بار/چهار بار مرور کرد.

رؤیای صالح برای پیامبران،	الهام فطری / وحی واجب الاتباع محسوب می‌شود.
---------------------------	---

حالات وحی برای پیامبر (ص): ۵/۶/۷

از آثار و نشانه‌های وحی بر پیامبر (ص): شادی و سرور، سنگینی جسم او تا جایی که نزدیک بود استخوان رانش بشکند/ غم و اندوه.

وحی را با نوع آن وصل کنید:

الف	ب
آغاز وحی او	فرشته به شکل مرد نزد او می‌آید.
با او سخن می‌گوید و او آن را می‌فهمد و مردم او را می‌بینند.	مانند صدای زنگ.
سخت‌ترین وحی بر او	جبرئیل را به شکل اصلی خود می‌بیند.
تنها دو بار برای او اتفاق افتاد، تا جایی که	رؤیای صادق

مشخص است.	
يَا نَرَبِّكَ أَوْحَى لَهَا	آنچه به فرشتگان القا می‌شود
إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ	اشاره سریع با اندام
فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا	وسوسه شیطان
يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ	دستور تکوینی به جامدات
وحی به زنبور عسل	الهام فطری به انسان سالم
وحی به مادر موسی	الهام غریزی به حیوان

فرق های مهم

قرآن کریم

قرآن کریم نشانه‌ای الهی برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم است و تشریعی است برای امت او. خداوند متعال حفاظت آن را بر عهده گرفته است، چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

بسیاری از امت آن را در سینه‌های خود حفظ کرده‌اند. قرآن ناسخ تمام کتاب‌های پیش از خود است و به زبان عربی فصیح نازل شده است. تدریجاً، بر حسب نیاز مردم نازل گردید. نام "قرآن" به معنای خواننده و خوانده شده است. این کتاب تمام جوانب زندگی را در بر می‌گیرد و تا روز قیامت برای دو گروه انسان و جن نازل شده است. مؤید تمام کتاب‌های آسمانی پیشین است و بر آن‌ها سیطره دارد. آیاتی مانند سوره فاتحه در هیچ کتاب دیگری مشابه آن نیامده است.

کتاب های آسمانی

تشریعات فقط از سوی خداوند است، و او امر فرموده است که این آیات حفظ شود، چنانکه کتاب خدا حفظ می‌شود. حفظ کامل این کتاب‌ها تنها برای پیامبران ممکن بوده است. همه‌ی آن کتاب‌ها توسط قرآن عظیم منسوخ شده‌اند. دانسته شده که برخی از آن‌ها به زبانی جز عربی نازل شده‌اند. هیچ‌یک از آن‌ها ثابت نشده که تدریجاً نازل شده باشند. تنها از نظر لغوی می‌توان به آن‌ها عنوان "قرآن" داد.

قرآن کریم

خداوند متعال مردم را به آوردن همانند قرآن به تحدی فراخوانده است؛ چه در لفظ و چه در معنا، که هر دو از سوی خداست. تلاوت قرآن عبادتی است و حتی کوتاه‌ترین سوره‌اش معجزه است. قرآن از طریق تواتر نقل شده و همه‌ی آن ثبوت شان قطعی

است. نماز جز با آن صحیح نیست. ثواب تلاوت آن عظیم است، و جنب (کسی که غسل بر او واجب است) حق ندارد آن را لمس کند.

حدیث قدسی و حدیث نبوی

مشمول تحدی الهی نیستند. تلاوت آن‌ها عبادت به شمار نمی‌رود. معجزه نامیده نمی‌شوند. برخی صحیح و برخی ضعیف هستند. بخشی از آن‌ها متواتر و بخشی آحاد هستند. در نماز تلاوت نمی‌شوند. برای تلاوتشان ثوابی هست، اما کمتر از ثواب قرآن است. جنب می‌تواند کتاب‌های حدیث را لمس کند.

نکته‌ای در مورد رکن بودن ایمان به کتاب‌ها:

ایمان داریم که این کتاب‌ها سخن خداوند هستند، نازل شده و مخلوق نیستند، و اینکه خداوند با هر پیامبری کتابی فرستاده است. به آن‌ها و آنچه خدا از نام‌ها، اخبار و احکامشان به ما آموخته، ایمان داریم، مادامی که منسوخ نشده‌اند. قرآن ناسخ همه‌ی آن‌هاست. با این حال، مطالعه جز کتاب و سنت محفوظ الهی مشروع نیست

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

از ویژگی‌های قرآن، تحدی با آن/ اختصاص نزول آن بر محمد (ص)/ برتر بودن آن از کتاب‌های نازل شده/ فراوانی نام‌های آن/ خوانده نشدن آن در نماز مگر خودش/ دست زدن به آن مگر پاکان/ نخواندن آن توسط جنب/ ویژگی‌های الفاظ و معانی آن/ همه موارد/ است.

هیچ اختلافی بین قرآن و حدیث قدسی نیست؛ زیرا هر دو در این موارد مشترک هستند/ اینکه کلام در هر دو کلام خدا با لفظ و معناست/ اینکه تلاوت هر دو عبادت است/ اینکه هر دو به حد تواتر رسیده‌اند/ یا هیچ‌کدام از موارد ذکر شده صحیح نیستند.

حدیث قدسی: آنچه پیامبر (ص) از جبرئیل (ع) روایت می‌کند. درست/ نادرست.

دست زدن غیر پاکان به حدیث قدسی جایز است. درست/ نادرست.

روایت قرآن کریم به معنا حرام است. درست/ نادرست.

قرآن کریم لفظ و معنا از جانب خداست، و حدیث قدسی معنایش از خدا و لفظش مورد اختلاف است. درست/ نادرست.

قسمت (الف) را به قسمت متناسب با آن از قسمت (ب) وصل کنید:

الف	ب
تعهد خدا به حفظ قرآن	بَقَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ.

دستور خدا به اهل کتاب برای حفظ آن	وْمُهَيِّمًا عَلَيْهِ
قرآن ناسخ همه کتاب‌هاست.	فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ
تحدی خدا با مردم که مانند آن را بیاورند	وَإِنَّا لَهُ لَخَافِطُونَ.

قرآن کریم / حدیث قدسی، چیزی است که با آن تحدی نشده است.
نماز صحیح نیست جز با قرآن کریم / حدیث قدسی.

دلایل نزول آیات

نزول قرآن به دو بخش تقسیم می‌شود:

ابتدایی: و آن آیاتی هستند که پیش از نزولشان سبب مستقیمی که اقتضای آن را داشته باشد، وجود نداشته است؛ بلکه برای هدایت مردم، بیان احکام و اخبار نازل شده‌اند.

سببی: و اسباب آن سه چیز است:

- الف) آنکه خداوند متعال در پاسخ به پرسشی نازل فرماید.
ب) آنکه قرآن برای بیان حادثه‌ای که رخ داده یا برای هشدار دادن به مسلمانان نازل شود.
ج) آنکه قرآن برای تبیین حکم فعل واقع شده‌ای نازل شود

فواید شناخت اسباب نزول:

- بیان اینکه قرآن از جانب خداوند نازل شده است.
بیان عنایت خداوند متعال به پیامبرش (صلی الله علیه وسلم).
بیان عنایت خداوند به بندگان.
فهم درست آیه.

از کتب اسباب نزول:

- أسباب نزول القرآن» از واحدی (رحمه الله) (متوفی ۴۶۸ هجری).
العجاب في بيان الأسباب» از ابن حجر (رحمه الله) (متوفی ۸۵۲ هجری).
لباب النقول في أسباب النزول» از سیوطی (رحمه الله) (متوفی ۹۱۱ هجری).
الصحيح المسند من أسباب النزول» از وادعی (رحمه الله).

برخی از اسباب نزول:

سوره انفال: در مورد جنگ بدر، تقسیم غنائم و رفتار با اسیران نازل شد.
 سوره توبه (براءة): در مورد غزوه تبوک، آنچه از منافقان و مشرکان سرزد و سه نفری که تخلف کردند (رضی الله عنهم) نازل شد.
 سوره احزاب: در مورد غزوه خندق و آنچه به مؤمنان در آن رسید، نازل شد.
 سوره فتح: در مورد صلح حدیبیه و بیعت رضوان نازل شد.
 سوره مجادله: در مورد خوله دختر ثعلبه (رضی الله عنها) و همسرش نازل شد.
 سوره حشر: در مورد یهودیان بنی نضیر نازل شد که پس از آنکه با پیامبر (صلی الله علیه وسلم) پیمان بستند، قصد توطئه علیه ایشان را داشتند و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آنان را از مدینه بیرون راند.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

اسباب نزول بر نقل و شنیدن، اجتهاد یا شناخت مکی و مدنی متوقف است.
 اسباب نزولی که از صحابی روایت شده‌اند، همیشه در حکم مرفوع هستند؛ درست.
 نادرست.

فواید نزول را از قسمت (الف) با مثال‌های آن از قسمت (ب) وصل کنید:

الف	ب
توجه خدا به پیامبرش و دفاع از او:	"وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً."
توجه خدا به بندگان در گشایش گرفتاری‌هایشان:	"إِنَّ الصَّغَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ."

ذکر سبب نزول، اختصاص را می‌رساند / نمی‌رساند.

سبب نزول، به فهم آیه / کمک می‌کند / هیچ ارتباطی با فهم آیه / ندارد.
 گفته "این آیه در مورد فلان چیز نازل شد" به این معناست که آن سبب نزول است / آن داخل در آیه است / هر دو.

سبب نزول (به معنای) تخصیص لفظ به چیزی که در آن نازل شده است / نیست، و تأکید می‌کند / تأکید نمی‌کند / ورود مخاطب در آن را به طور قطع.

داناترین صحابه به اسباب نزول: ابن عباس/ ابن مسعود.
مهم، عموم لفظ است نه خصوص سبب: درست/ نادرست.

قسمت (الف) را به قسمت متناسب با آن از قسمت (ب) وصل کنید:

الف	ب
سوره اخلاص	در بدر نازل شد.
آیه ظهار	در صلح حدیبیه و بیعت رضوان نازل شد.
آیه تیمم	در اوس بن صامت نازل شد.
سوره حشر	هنگامی که عایشه گردنبدش را گم کرد و لشکر را نگه داشت و آب برای وضو نیافتند، نازل شد.
سوره انفال	در یهود بنی نصیر نازل شد.
سوره فتح	در پاسخ به قریش هنگامی که گفتند: "پروردگارت را به ما نسبت بده" نازل شد.

چگونگی نزول و ترتیب قرآن:

قرآن چگونه نازل شد؟

یکباره: از لوح محفوظ به آسمان دنیا در شب قدر از ماه رمضان، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ [قدر: ۱].

تدریجی: از آسمان دنیا بر پیامبر (صلی الله علیه وسلم)، بر حسب نیاز و مناسبت، ﴿وَفُزَّاتَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾ [اسراء: ۱۰۶].

حکمت نزول قرآن کریم به صورت پراکنده:

تثبیت قلب پیامبر (صلی الله علیه وسلم): خداوند متعال در پاسخ به اعتراض کافران فرمود: ﴿كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾ [فرقان: ۳۲].

آسان شدن حفظ، فهم و عمل به آن برای مردم.

برانگیختن همت‌ها برای پذیرش و اجرای آنچه از قرآن نازل شده است.

تدریج در تشریع تا رسیدن به درجه کمال.

معنای ترتیب

تلاوت قرآن به دنبال یکدیگر، بر حسب آنچه در مصاحف نوشته شده و در سینه‌ها حفظ گردیده است.

انواع ترتیب و حکم هر نوع:

ترتیب حروف در کلمه: این به نص و اجماع واجب است و هیچ کس جرأت تغییر آن را ندارد.

ترتیب کلمات: این نیز به اجماع واجب است.

ترتیب آیات: بنا بر قول راجح واجب است.

ترتیب سوره‌ها: واجب نیست؛ زیرا این ترتیب با اجتهاد ثابت شده است.

حکم مخالفت با ترتیب سوره‌ها:

در برابر عوام مردم: شایسته نیست؛ زیرا باعث تشویش و ایجاد فتنه بین عامه مردم می‌شود که حکم ترتیب سوره‌ها را نمی‌دانند.

در زمینه آموزش: اشکالی ندارد و عادت بر این جاری است که کودکان را از سوره ناس شروع به آموزش می‌کنند.

نکته لطیف

تمام سوره‌های قرآن نام‌هایشان در خودشان آمده است، مگر فاتحه، انبیاء و اخلاص. تذکر

آیه به این دلیل آیه نامیده شد که نشانه‌ای برای پیامبر (ص) بود که مخلوقات از آوردن مانند آن ناتوان بودند. و سوره به این دلیل سوره نامیده شد که مانند دیوار:

[1] احاطه کننده است، چیزی که از آن نیست وارد آن نمی‌شود و چیزی که از آن است از آن خارج نمی‌شود

[2] به دلیل شرافت و بلندی آن .

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

ترتیب مصحف توقیفی / اجتهادی است.

حکمت نزول تدریجی قرآن: تثبیت قلب پیامبر / تسهیل حفظ آن/ تشویق همت‌ها برای پذیرش آن/ تدریجی بودن قانون‌گذاری / همه موارد.

نزول قرآن کریم بر پیامبر / به صورت / تدریجی/ یکجا / در رمضان هر سال بود.

صحف پس از وفات عمر / نزد حفصه / قرار داده شدند؛ / زیرا او مادر مؤمنان بود/ دارای دینداری، امانت‌داری، عقل و حسن تدبیر بود / همه موارد.

اولین چیزی که به طور مطلق نازل شد "اقْرَأْ" بود و به نبوت مربوط می‌شود: درست/ نادرست.

اولین سوره‌ای که نازل شد "يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ" بود و به رسالت مربوط می‌شود: درست/ نادرست.

از حکمت‌های نزول تدریجی قرآن، آسان شدن حفظ و فهم آن است. درست/ نادرست.

ترتیب آیات در قرآن، توقیفی از پیامبر است: درست/ نادرست.

آیه به این دلیل بدین نام خوانده شده است که نشانه‌ای برای پیامبر صلی الله علیه وسلم است: درست/ نادرست

سوره به این دلیل بدین نام خوانده شده است که: /همچون دیواری در شأن و بلندی آن است/ همچون دیواری، آنچه را که در آن است احاطه می‌کند/ هر دو مورد.

علما تألیف کرده‌اند: مناسبت‌های آیات و سوره‌ها/ مناسبت‌های بین فواصل آیات قرآن/ اسرار ترتیب قرآن/همه موارد.

انواع ترتیب در قرآن را به حکم آن وصل کنید:

ترتیب حروف	به اجماع واجب است.
ترتیب کلمات	واجب نیست، لیکن نباید با ترتیب مشهور مخالفت نمود.
ترتیب آیات	به نص و اجماع واجب است و هیچ‌کس بر آن جرأت نمی‌کند.
ترتیب سوره‌ها	بنا بر قول راجح واجب است.

نوشتن و گردآوری قرآن:

فایده:

نخستین کسی که قرآن را حفظ کرد، جبرئیل (علیه السلام) بود، سپس پیامبر ما محمد (صلی الله علیه وسلم)، سپس صحابه (رضی الله عنهم)، چهار نفر از صحابه در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه وسلم) قرآن را از آنان جمع‌آوری کردند: «أَبِي، مُعَاذِ بْنِ جَبَل، ابوزید و زید بن ثابت» (متفق علیه).

مراحل نگارش قرآن سه مرحله داشت:

در عصر پیامبر (صلی الله علیه وسلم): تکیه بیشتر بر حفظ بود تا نوشتن، و صحابه اجزای پراکنده‌ای از قرآن را نوشتند.

در عصر ابوبکر (رضی الله عنه): صف قرآن با مشورت عمر (رضی الله عنه) جمع‌آوری شد.

در عصر عثمان (رضی الله عنه): قرآن در یک مصحف واحد با مشورت حذیفه (رضی الله عنه) جمع‌آوری شد و نسخه‌هایی از آن به شهرها فرستاده شد.

دلایل تکیه بر حفظ در عصر نبوی:

قوت حافظه: صحابی تقریباً چیزی را که حفظ می‌کرد، فراموش نمی‌کرد.

سرعت حفظ: حدیث طولانی را یک بار می‌شنید و حفظ می‌کرد.

قلت نویسندگان: ما امتی امی هستیم، نه می‌نویسیم و نه حساب می‌کنیم» (متفق علیه).

کمبود وسایل نگارش: مانند شاخه‌های نخل، پوست‌ها، سنگ‌ها و استخوان‌ها.

سبب جمع‌آوری قرآن توسط ابوبکر (رضی الله عنه):

بسیاری از صحابه قاری در یمامه به شهادت رسیدند، پس ابوبکر ترسید که قرآن از بین برود، لذا به زید دستور داد تا قرآن را دنبال کند و آن را از شاخه‌های نخل، سنگ‌های نازک و سینه‌های مردان جمع‌آوری کند و این صف نزد ابوبکر بود تا اینکه خداوند او را وفات داد، سپس در نزد عمر تا زمان حیات وی بود و سپس نزد حفصه (رضی الله عنها) بود. (بخاری آن را تخریج کرده است).

سبب جمع‌آوری مردم بر یک مصحف واحد توسط عثمان (رضی

الله عنه):

در حدیث متفق علیه آمده است: «قرآن بر هفت حرف نازل شده است، پس هر چه برایتان آسان است از آن بخوانید». هر یک از صحابه به آن گونه که از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) شنیده بود، قرائت می‌کرد، پس عثمان ترسید که این امر منجر به اختلاف قلوب و آراء شود و مردم نزاع و تفرقه کنند، پس به زید بن ثابت (رضی الله عنه) و همراهانش دستور داد تا صف را در یک مصحف واحد جمع‌آوری کنند و همه مردم را بر آن سفارش کردند، و همه قراءات متواتر از این مصحف خارج نیست.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

نخستین کسی که به جمع‌آوری قرآن کریم اشاره کرد،/ ابوبکر / عمر/عثمان.

قرآن در زمان پیامبر (ص) بر /روی سنگ‌ها/ چوب‌های خرما/ استخوان‌ها/ پوست‌ها / چرم‌ها نوشته می‌شد/ همه موارد ذکر شده.

قرآن در زمان: پیامبر / ابوبکر/ عثمان/ عمر/ همه موارد به جز آخری.

قرآن کریم به طور کامل در زمان پیامبر (ص) نوشته شد: /به صورت یک مصحف واحد جمع‌آوری شد/ به صورت پراکنده روی پوست‌ها و غیره/ چیزی از آن نوشته نشد.

نخستین کسی که قرآن کریم را در یک مکان واحد در صحف جمع‌آوری کرد، پیامبر / عمر بن خطاب / ابوبکر صدیق/ بود.

صحف پس از وفات صدیق، نزد عمر بن خطاب باقی ماند و سپس پس از وفات او به /عایشه/ حفصه / عثمان بن عفان منتقل شد.

دومین جمع‌آوری قرآن کریم در زمان /عمر بن خطاب/ عثمان بن عفان / علی بن ابی طالب بود.

پیامبر اجازه نداد چیزی غیر از قرآن از او نوشته شود، مبادا با آن اشتباه گرفته شود: درست/ نادرست.

تدوین حدیث در قرن دوم هجری آغاز شد: درست/ نادرست.

حفظ قرآن بر امت اسلامی واجب است: درست/ نادرست.

تکیه بر حفظ در نقل از ویژگی‌های امت محمد (صل الله علیه وسلم) است: درست/ نادرست.

اگر لازم باشد برخی از اوراق مصحف از بین بروند/ باید سوزانده شوند؛ همانطور که عثمان انجام داد/ در شکاف قرار داده شوند/ پاره شوند.

قرائت‌های متواتر: همگی از مصحف عثمان خارج نیستند/ برخی از آنها با مصحف عثمان موافق و برخی در مواردی مخالف هستند.

دوران نبوی با: /قدرت حافظه/ سرعت حفظ/ کمبود وسایل نوشتن/ فراوانی نویسندگان / همه موارد به جز آخری متمایز شد.

پیامبر (صل الله علیه وسلم) به هر کس که چیزی غیر از قرآن نوشته بود، دستور داد آن را پاک کند: درست/ نادرست.

قرائات:

انواع قراءات:

متواتر: قرائتی که با زبان عربی موافق باشد، رسم‌الخط آن با یکی از مصاحف عثمانی مطابقت داشته باشد و به صورت متواتر به ما رسیده باشد.

شاذ: قرائتی که با زبان عربی موافق نباشد، یا رسم الخط آن با مصاحف عثمانی مطابقت نکند، یا به صورت متواتر به ما نرسیده باشد، هرچند سند آن صحیح باشد

قرائت، سنتی است که باید پیروی شود و اجتهادی در آن نیست:

علامه بدرالدین زرکشی (رحمه الله) در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» (۱/ ۳۲۲) می‌گوید: «اجماع بر صحت قرائت این ائمه منعقد شده است و آن سنتی است که باید پیروی شود و هیچ مجالی برای اجتهاد در آن نیست.»

ده قاری مورد اجماع:

نافع بن عبدالرحمن مدنی، و از او روایت شده است: الف) وُرش. ب) قالون.
عاصم بن ابی النجود کوفی، و از او روایت شده است: الف) حفص. ب) شعبه.
عبدالله بن کثیر مکی.
عبدالله بن عامر شامی.
ابو عمرو بن العلاء بصری.
حمزه بن حبيب کوفی.
علی بن حمزه کسائی کوفی.
ابو جعفر مدنی.
يعقوب بن اسحاق حضرمی.
خلف بن هشام.

فواید مهم:

قوی‌ترین سند در قرائت از آن نافع مدنی و عاصم کوفی است و فصیح‌ترین آنان ابو عمرو بصری و ابوالحسن کسائی هستند.

اقسام مردم در شنیدن قرآن:

روگردان و امتناع‌کننده از شنیدن آن.
صدای آن را می‌شنود ولی معنایش را نمی‌فهمد.
آن را می‌فهمد ولی نمی‌پذیرد.
آن را با فهم و پذیرش می‌شنود.

انواع ترک قرآن (که ابن قیم ذکر کرده است):

ترک شنیدن، ایمان آوردن و گوش دادن به آن.

ترک عمل کردن به آن و توقف نکردن در حلال و حرام آن، هرچند آن را بخواند و به آن ایمان داشته باشد.

ترک تحکیم و مراجعه به آن در اصول و فروع دین.

ترک تدبیر، فهم و دانستن آنچه خداوند از آن اراده کرده است.

ترک درمان با آن در همه بیماری‌های قلوب و دردهای آن.

تذکری مهم در قرائت

به مؤمن توصیه می‌شود که در قرائت قرآن تلاش کند، درستی آن را بجوید و نزد کسی که از او دانایتر است، قرائت کند تا بهره ببرد و اشتباهاتش را اصلاح کند، و این نکته مهمی است. او پاداش می‌گیرد و مورد ستایش قرار می‌گیرد و اگر در جستجوی حقیقت تلاش کند، دو بار پاداش می‌گیرد، به دلیل سخن پیامبر (صل الله علیه وسلم): «کسی که در قرآن مهارت دارد، با فرشتگان بزرگوار و نیکوکار همراه است.» (مسلم روایت کرده است)

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

قاریان نمی‌توانند در قرائت‌ها اجتهاد کنند: درست/ نادرست.

هر قرائتی که شرایط قرائت صحیح را نداشته باشد/ قرائت شاذ/ متواتر / مشهور محسوب می‌شود.

از قاریان هفتگانه، (۲/۴/۳) نفر کوفی و بقیه از /مکه/ مدینه/ شام/ بصره/ کوفه هستند /همه موارد به جز آخری/.

قرائت در اصطلاح: روشی از روش‌های تلفظ قرآن است که امامی از ائمه قاریان آن را برمی‌گزیند و با دیگران مخالفت می‌کند: درست/ نادرست.

قرائت‌ها با سندهایشان به پیامبر ثابت شده‌اند: درست/ نادرست.

در زمان تابعین در صدر قرن اول، به تنظیم قرائت پرداختند تا به علمی تبدیل شد: درست / نادرست.

انتخاب قاریان هفتگانه توسط علمای متأخر در قرن سوم صورت گرفت: درست/ نادرست.

از انواع قرائت‌ها، قرائت شاذ است که سند آن صحیح نیست و قرائت آن جایز نیست: درست/ نادرست.

از انواع قرائت‌ها، قرائت موضوع است که هیچ اصلی ندارد و قرائت آن جایز نیست: درست/ نادرست.

از انواع قرائت‌ها، قرائت مُدرَج است که به عنوان تفسیر به آن افزوده شده است و قرائت آن جایز نیست: درست/ نادرست.

از فواید اختلاف قرائت‌ها این است که دلیلی بر حفظ کتاب خدا از تغییر و تحریف است و تحریف علی رغم آن جنبه‌های فراوان دارد: درست/ نادرست.
از انواع قرائت‌ها: /تام /متواتر/ کافی.

مکی و مدنی:

تقسیم قرآن به مکی و مدنی:

علما بر اساس زمان به دو قسم اکتفا کرده‌اند:

مکی: آنچه پیش از هجرت نازل شده، هرچند در غیر مکه باشد.

مدنی: آنچه پس از هجرت نازل شده، هرچند در مکه باشد.

تفاوت بین مکی و مدنی از دو جهت:

اسلوب (سبک):

الف) غالب در مکی، قوت اسلوب و شدت خطاب است.

ب) غالب در مکی، کوتاهی آیات و قوت حجت است.

موضوع:

الف) غالب در مکی، تقریر توحید و عقیده است، اما در مدنی، غالب بیان کامل عبادات و معاملات است.

ب) بخش عمده روایات مدنی به جهاد و منافقین اختصاص دارد.

قاعده:

اصل آن است که همه سوره‌های مکی، مکی و همه سوره‌های مدنی، مدنی هستند و مستثنی شدن آیه‌ای از آن پذیرفته نمی‌شود مگر آنکه با سند صحیح ثابت شود.

از نشانه‌هایی که مکی و مدنی با آن شناخته می‌شوند، این است که هر سوره‌ای:

با حروف مقطعه آغاز شده باشد، مکی است مگر بقره و آل عمران.
 در آن کلمه «کَلَّا» آمده باشد، مکی است مگر تکوین.
 در آن سجده باشد، مکی است.
 با قسم آغاز شده باشد، مکی است.
 با حمد آغاز شده باشد، مکی است.
 داستان‌های انبیا در آن به تفصیل آمده باشد، مکی است مگر بقره.
 در آن «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» آمده باشد و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» نباشد، مکی است.
 در آن «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده باشد و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» نباشد، مدنی است.
 ذکر منافقین در آن باشد، مدنی است مگر سوره عنکبوت که در آن اختلاف است.
 در آن حد یا بیان فریضه‌ای باشد، مدنی است.

فواید شناخت مکی و مدنی:

آشکار شدن بلاغت قرآن.
 آشکار شدن حکمت تشریع.
 تربیت و راهنمایی دعوت‌کنندگان به سوی خدا.
 تفاوت ناسخ و منسوخ.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

سوره‌های مکی: همه امت‌ها را در بر می‌گیرند. مخصوص مشرکان هستند.
 سوره‌های مدنی: در مورد منافقان صحبت می‌کنند: درست. نادرست.
 مرسلات و نبأ: مدنی هستند. برخی مکی و برخی مدنی هستند. مکی هستند.
 جامع‌ترین و بهترین اقوال و تعاریف در مورد مکی و مدنی، در نظر گرفتن: مخاطب، زمان نزول، مکان نزول است.
 علما ضوابط متعددی برای شناخت سوره‌های مکی وضع کرده‌اند، از جمله اینکه هر سوره‌ای که در آن: فریضه، سجده، ذکر منافقان باشد.
 هر سوره‌ای که در آن (یا ایها الناس) باشد و (یا ایها الذين آمنوا) نداشته باشد، از ضوابط سوره‌های: مدنی، نازل شده بین مکه و مدینه، مکی است.

سوره‌های مکی اسلوب‌های خاصی دارند، از جمله: کوتاهی آیات آنها، طولانی بودن سوره‌های آنها، ندا با (یا اهل الکتاب).
از موضوعات سوره‌های مکی: قیامت و وحشت‌های آن، فرائض و حدود، عبادات و معاملات.

از نشانه‌های مدنی بودن هر سوره‌ای وجود کلمه (کلا)، فریضه یا حد، سجده است.
سوره‌هایی که در آنها مجادله با اهل کتاب آمده است، از سوره‌های: مکی، نازل شده بین مکه و مدینه، مدنی محسوب می‌شوند.
از سوره‌هایی که در آنها جهاد ذکر شده و بر آن تأکید شده است: فاتحه، نبأ، انفال.
از ویژگی‌ها و خصوصیات سوره‌های مدنی: اسلوب‌های آنها، و مهم‌ترین آنها: کوتاهی فاصله‌ها، طولانی بودن آیات، فراوانی قسم است.
آخرین سوره‌ای که به طور کامل نازل شد: زلزله، اخلاص، نصر.

نوع سوره را در موارد زیر مشخص کنید:

سوره | مکی | مدنی |

الفاتحه /	/
البقره / /	
المائدہ / /	
النحل / /	
الإخلاص / /	
النصر / /	
یوسف / /	
الاسراء / /	
النباء / /	

اعجاز قرآن:

شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله) فرمود:

اینکه قرآن معجزه است، تنها از جهت فصاحت و بلاغت آن نیست، یا نظم و اسلوب آن فقط نیست، و نه فقط از جهت خبر دادن آن از غیب، و نه فقط از جهت بازداشتن

انگیزه‌ها از معارضه با آن، و نه فقط از جهت سلب قدرت آنان بر معارضه با آن، بلکه آن نشانه‌ای آشکار و معجزه‌ای است از جهات متعدد.

از وجوه اعجاز در قرآن کریم:

لفظ.

نظم.

بلاغت: در دلالت لفظ بر معنا.

معانی: آنچه در مورد خداوند متعال، نام‌ها و صفات او، فرشتگانش، غیب گذشته، آینده و معاد خبر داده است...

برخی از انواع اعجاز قرآنی:

بیانی.

علمی.

تشریعی.

غیبی.

دعوتی.

تربیتی.

قرطبی (رحمه الله) فرمود:

وجوه اعجاز قرآن ده مورد است: از جمله: نظم بدیع و مخالف با هر نظم معهود در زبان عرب... و از جمله: اسلوب مخالف با همه اسالیب عرب، و از جمله: شکوه و عظمت خاصی که به هیچ وجه از مخلوقی صادر نمی‌شود... و از جمله: تصرف در زبان عرب به گونه‌ای که هیچ عربی به تنهایی قادر به آن نیست... و از جمله: خبر دادن از اموری که در آغاز دنیا تا زمان نزول آن گذشته است... و از جمله: وفای به وعده، که در عیان با حس درک می‌شود... و از جمله: خبر دادن از غیب‌های آینده که هیچ کس جز از طریق وحی بر آن اطلاع نمی‌یابد... و از جمله: آنچه قرآن از علمی در بر دارد که بافت همه انسان‌ها در حلال و حرام و سایر احکام است. و از جمله: حکمت‌های بالغه که عادت بر آن جاری نشده که به این کثرت و شرافت از آدمی صادر شود. و از جمله: تناسب در همه آنچه ظاهر و باطناً در بر دارد بدون هیچ اختلافی.

زرکشی می‌گوید: اهل تحقیق بر این باورند که اعجاز قرآن،

به تمامی اقوال پیشین تعلق می‌گیرد، نه به هر یک به تنهایی... از جمله، هیبتی است که در دل‌ها و گوش‌های شنوندگان دارد... و از جمله آن، این است که همواره و پیوسته،

تازه و باطراوت باقی مانده است... و از جمله آن، جمع‌آوری آن میان دو صفت فصاحت و شیرینی است... و از جمله آن، قرار دادن آن به عنوان آخرین کتاب [آسمانی] است که از غیر خود بی‌نیاز است.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی:

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه‌الله می‌گوید: «آیات و دلایل دال بر نبوت محمد (صلی الله علیه وسلم) بسیار متنوع و فراوان است و از آیات سایر انبیا بیشتر و عظیم‌تر هستند. برخی ناظران آنها را /معجزات/ آیات/ می‌نامند. همچنین این آیات با عناوینی مانند /دلایل نبوت/ نشانه‌های نبوت/ همگی/ خوانده می‌شوند. این اصطلاحات زمانی که برای آیات انبیا به کار می‌روند، هدف و مفهوم موردنظر را بهتر از کلمه /معجزات/ آیات/ نشان می‌دهند. به همین دلیل، لفظ /معجزات/ آیات/ در قرآن و سنت وجود ندارد، بلکه الفاظی همچون آیه/ بینة/ برهان/ همگی/ به کار رفته است.

از بزرگترین سخنانی که یک کافر درباره قرآن گفته، سخن ولید بن مغیره است: به خدا سوگند، در میان شما مردی داناتر از من به اشعار نیست، و نه داناتر از من به رَجَز و نه به قصیده، و نه به اشعار جن. به خدا سوگند، آنچه او [پیامبر] می‌گوید، به هیچ یک از این‌ها شباهت ندارد. به خدا سوگند، سخنی که او می‌گوید شیرینی دارد، و برآستی بر آن حلاوتی است، و برآستی آن ثمربخش است، بالای آن سرسبز و پایین آن پر آب است، و برآستی آن برتری می‌یابد و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد، و برآستی آن درهم می‌کوبد آنچه را زیر آن است صحیح/ نادرست

عرب‌ها به خوبی می‌دانستند که بین آیات قرآن و شعر تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. صحیح/ نادرست

قرآن کریم معجزه جاودان اسلام است که پیشرفت‌های علمی تنها رسوخ آن را در اعجاز بیشتر می‌کند. صحیح/ نادرست

وجوه دلالت بر الهی بودن قرآن منحصر به تحدی آن از عرب‌ها برای آوردن مانند آن، یا ده سوره، یا یک سوره نیست، بلکه وجوهی متضافر و دلالاتی غیر منحصر است. صحیح/ نادرست خود قرآن مایه شگفتی و اعجاب عرب‌ها بود، تا جایی که چه بسا هنگام شنیدن آن به سجده می‌افتادند. صحیح/ نادرست

غیر عرب‌ها قادر به آوردن مانند قرآن کریم نیستند. صحیح/ نادرست

آیات و سوره‌های قرآن در بلاغت و فصاحت یکسان هستند. صحیح/ نادرست

اعجاز قرآن تنها به عصر رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) محدود نمی‌شود. صحیح/ نادرست

آداب خواندن قرآن:

حال پیامبر (صلی الله علیه وسلم) با قرآن:

ابن قیم (رحمه الله) فرمود:

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حزبی داشت که آن را می‌خواند و از آن تخلف نمی‌کرد، و قرائت او ترتیل بود، نه عجله و شتاب، بلکه قرائتی واضح و حرف به حرف، و قرائت خود را آیه به آیه قطع می‌کرد، و در حروف مد، آن را می‌کشید... و در آغاز قرائت از شر شیطان رانده شده به خدا پناه می‌برد... و پناه بردن او پیش از قرائت بود، و دوست داشت قرآن را از غیر خود بشنود... و قرآن را ایستاده، نشسته و خوابیده، با وضو و بدون وضو [یعنی حدث اصغر] می‌خواند، و چیزی جز جنابت او را از قرائت باز نمی‌داشت، و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آن را با لحن خوش می‌خواند و گاهی صدایش را در آن می‌گرداند.

مهم‌ترین آداب خواندن قرآن:

اخلاص برای خدا: پس نباید چنین بخواند تا به او گفته شود: قاری است، یا برای غیر آن. تعظیم قرآن و حضور قلب: با خالی کردن آن از حدیث نفس. تدبیر در آنچه می‌خواند و فهم معانی آن: معانی‌ای که خداوند متعال از آن اراده کرده است.

تمیز کردن دهان با مسواک: به جهت تکریم قرآن.

پیش از قرائت پناه بردن به خدا از شر شیطان رانده شده

تکرار هر مقدار از آیات که بخواهد به قصد تأمل در معنای آن بخواند.

گریه کردن هنگام خواندن قرآن و شنیدن آن.

تفاعل با آیات: با سؤال کردن از خدا، پناه بردن به او و مانند آن.

پرهیز از خنده، لهو و لعب با دست‌ها و مانند آن.

خودداری از قرائت هنگام خمیازه: زیرا او با پروردگارش سخن می‌گوید.

نیکو گرداندن صدا به قرآن: زیرا در دل‌ها مؤثرتر است.

پایبندی به احکام تلاوت: بر حسب آنچه اهل قرائت مقرر کرده‌اند.

خواندن بر شیخ یک بار در هر سال: همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) با جبرئیل مدارس می‌کرد.

اهمیت شنیدن قرآن:

از عمل پیامبر (صلی الله علیه وسلم) شنیدن قرآن از غیر خود بود، در «صحیحین» آمده است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به ابن مسعود فرمود: «بر من قرآن بخوان»، گفتم: بر شما بخوانم در حالی که بر شما نازل شده است؟! فرمود: «من دوست دارم آن را از غیر خودم بشنوم. وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ (و چون آیاتی را که بر پیامبر نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می‌بینی که اشک ریزان می‌شود)

خواندن قرآن توسط زن حائض:

شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله) فرمود: «در منع زن حائض از خواندن قرآن، نصوص صریح و صحیحی وجود ندارد... و معلوم است که زنان در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) حیض می‌شدند و ایشان آنان را از خواندن قرآن نهی نمی‌کرد؛ همانگونه که آنان را از ذکر و دعا نهی نمی‌کرد.

پرسش‌هایی پیرامون مطالب گذشته:

تکلف در خواندن قرآن با آهنگ‌های موسیقی جایز است/ نهی می‌شود.
حکم گفتن «قرآن را فراموش کردم: جایز است/ جایز نیست؛ بلکه می‌گوید: «فراموشانده شدم»
استعمال مسواک هنگام تلاوت قرآن/ واجب/ مستحب/ مکروه است.
حکم خواندن قرآن با حدث اصغر/ حرام / مکروه کراهت تنزیهی است.
حکم خواندن قرآن برای شخص جنب حرام/ جایز/ مستحب است.
حدیث عائشه (رضی الله عنها) را کامل کنید که گفت: «رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) در دامن من تکیه می‌داد در حالی که من حائض بودم، سپس نماز می‌خواند/ قرآن می‌خواند.
حکم استعاذه هنگام تلاوت قرآن مستحب/ واجب/ مکروه است.
از احوالی که خواندن قرآن در آن مکروه است، حالت / حزن/ طواف/ نعاس.
بدون فهم معانی قرآن، نمی‌توان از آنچه در آن است پند گرفت صحیح/ نادرست، و حکمت از نازل کردن قرآن تدبیر/ پندگیری/ همه
از مهم‌ترین فواید شناخت وقف و ابتدا، دوری از اشتباه و وقوع در خطا است. صحیح/ نادرست.
نص صحیحی در منع زن حائض از خواندن قرآن وجود ندارد: صحیح/ نادرست.

بهترین کار با قرآن: قرائت / شنیدن / آنچه برای مسلمان نافع‌تر باشد/ و قرائت در اصل افضل است.

خواندن قرآن حرام است: در حالت جنابت/ هنگام قرائت چهار امام مگر فاتحه/ در رکوع/ در سجود/ در خلاء و اماکن کثیف/ همه.

شایسته است حافظ قرآن بر حفظ خود مواظبت کند به دلیل قول پیامبر (صلی الله علیه وسلم): «بر این قرآن مواظبت کنید، زیرا قسم به کسی که جان محمد در دست اوست، آن از شتر در بند، فرارکننده‌تر است: صحیح/ نادرست

ناسخ و منسوخ:

تعریف نسخ اصطلاحاً:

برداشتن حکم دلیل شرعی یا لفظ آن با دلیلی از کتاب و سنت، نه از غیر آن‌ها.

حکم آن:

عقلاً جایز و شرعاً واقع شده است.

از حکمت‌های نسخ:

رعایت مصالح بندگان.

توسعه در تشریع تا رسیدن به کمال.

آزمایش مکلفین در: پذیرش تغییر، و شکرگزاری آنان.

شرایط نسخ:

عدم امکان جمع بین دو دلیل: اگر جمع ممکن باشد، نسخ وجود ندارد.

علم به تأخیر ناسخ: با نص، یا خبر صحابی، یا تاریخ.

ثبوت ناسخ: و ارجح آن است که قوی‌تر بودن ثبوت آن شرط نیست.

نسخ به اعتبار:

نص منسوخ:

الف) آنچه حکمش نسخ شده و لفظش باقی مانده است، و آن در قرآن بسیار است.

ب) آنچه لفظش نسخ شده و حکمش باقی مانده است؛ مانند نسخ آیه سنگسار.

ج) آنچه حکمش و لفظش نسخ شده است؛ مانند نسخ ده بار شیردهی.

ناسخ:

- الف) نسخ قرآن با قرآن.
- ب) نسخ قرآن با سنت.
- ج) نسخ سنت با قرآن.
- د) نسخ سنت با سنت.

تخفیف حکم:

- الف) به سوی سبک‌تر.
- ب) به سوی سنگین‌تر.
- ج) به سوی مساوی.

تصاویری که نسخ در آن‌ها ممتنع است:

اخبار:

- الف) خبر محض: نسخ آن ممتنع است.
- ب) حکم در صورت خبر: نسخ آن ممتنع نیست.

آنچه مصلحت مطلق است:

- الف) امر: مانند توحید و مانند آن، نسخ آن ممتنع است.
- ب) نهی: نسخ آن نیز ممتنع است.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

از چیزهایی که ناسخ و منسوخ با آن شناخته می‌شود، تصریح راوی به تاریخ شنیدن است صحیح/ نادرست

کسانی که به جواز نسخ تلاوت بدون حکم قائل هستند، به خطبه عمر و تلاوت آیه سنگسار استدلال می‌کنند صحیح/ نادرست

نسخ متواتر با آحاد صحیح است صحیح/ نادرست

نسخ در لغت: / از بین بردن/نقل/ هر دو.

نسخ اصطلاحاً: برداشتن حکم شرعی ثابت با دلیل/ برداشتن لفظ دلیل شرعی بعد از ثبوت آن/ فقط با دلیلی از کتاب و سنت صورت می‌گیرد/ همه.

حکم نسخ: عقلاً و شرعاً جایز است/ عقلاً جایز و شرعاً ممتنع است/ عقلاً و شرعاً ممتنع است/

نسخ در موارد زیر ممتنع است: /خبر محض؛ زیرا نسخ آن تکذیب آن است/ آنچه به آن امر شده اگر در هر زمان و مکانی مصلحت باشد/ آنچه از آن نهی شده اگر در ترک آن در هر زمان و مکانی مصلحت باشد/ همه.

برای ثبوت نسخ شرط است: امکان جمع بین دو دلیل نباشد؛ زیرا عمل به همه آنها بهتر از عمل به بعضی است/ تأخیر ناسخ از منسوخ به طریقی از طرق معلوم شود/ دلیل ناسخ ثابت شود ولو به درجه‌ای کمتر از منسوخ/ همه/.

علم به تأخیر ناسخ با: متنی از کتاب یا سنت/ خبر صحابی که شاهد نزول بوده و اسباب و زمان آن را می‌دانسته است. /ثبوت تاریخ هر یک از ناسخ و منسوخ/ خبر تابعی/ همه مگر آخری.

از حکمت‌های نسخ، آزمایش میزان پذیرش مکلفین برای نسخ و پابندی آنان به آنچه با دلیل صحیح ثابت شده است: صحیح/ نادرست

از حکمت‌های نسخ حکم بدون لفظ، بقای ثواب تلاوت و یادآوری امت به حکمت نسخ است: صحیح/ نادرست

آیه سمت راست را به آیه ناسخ آن وصل کنید:

﴿ وَصِيَّةٌ لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْخَوْلِ ﴾	﴿ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ﴾
﴿ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ تَجَوَّكُمُ صَدَقَةٌ ﴾	﴿ أَلَّا سَفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ تَجَوَّكُمُ صَدَقَاتٍ ﴾
﴿ لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى ﴾	﴿ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

قسمت سوم: تفسیر قرآن

معنی تفسیر:

اصطلاحاً: توضیح معانی قرآن کریم، اما غیر از قرآن در واقع شرح نامیده می‌شود، و تفسیر اولین علمی بود که به پیامبر تعلیم داده شد.

حکم تعلم تفسیر:

واجب عینی: آن مقدار از تفسیر که جهل به آن جایز نیست.

واجب کفایی: مقداری فراتر از واجب عینی.

آیا فهم معنای قرآن دشوار است؟

فهم آن دشوار نیست، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ﴾ [قمر:]

این آسان‌سازی شامل موارد زیر است:

آسان بودن الفاظ آن برای حفظ کردن.

آسان بودن معانی آن برای فهمیدن.

آسان بودن اوامر و نواهی آن برای امتثال و عمل کردن.

هدف از آموختن تفسیر:

تصدیق اخبار قرآن و بهره‌مندی از آن.

به کار بستن احکام قرآن بر اساس مراد الهی و عبادت خداوند از روی بصیرت.

آیا پیامبر (ص) تمام قرآن را تفسیر کرده‌اند؟

ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «باید دانست که پیامبر (ص) همان‌طور که الفاظ قرآن را برای اصحاب خود بیان می‌کردند، معانی آن را نیز شرح می‌دادند. بنابراین، آیه ﴿وَلْيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ [نحل: ۴۴] شامل هر دو جنبه است

مفسر کلام خداوند عزوجل، به منزله:

مترجم از جانب خداوند پس باید از دروغ بستن به خداوند متعال بر حذر باشد.

شاهد بر این که مراد خداوند از کلامش چنین و چنان بوده است.

نمونه‌ای از تفسیر نادرست:

بعضی ها قول پروردگار: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا﴾ [الرحمن: ۳۴] به رسیدن انسان‌ها به فضا تفسیر کرده اند که این تفسیر نادرست است؛ زیرا سیاق آیه در مقام تحدی و ناتوان خواندن جن و انس است.

مرجع در تفسیر قرآن:

1- قرآن: بهترین منبع برای تفسیر است. برای مثال، آیه ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ﴾ با آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ [یونس:] تفسیر شده است. تفسیر قرآن به قرآن به دو دسته تقسیم می‌شود:

(ا) قطعی: در این نوع تفسیر، آیه به طور قطع، آیه دیگری را تفسیر می‌کند.

(ب) ظنی: در این نوع تفسیر، مفسر با اجتهاد خود به تفسیر می‌پردازد.

2- سنت: پیامبر (صل الله علیه وسلم) سخنان خدا را به مردم رسانده است و داناترین فرد به مقصود خداست. برای مثال، آیه **﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْخُسْئَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾** [یونس: ۲۶] در صحیح مسلم اینگونه تفسیر شده است: «بهشتیان چیزی بهتر از نگاه کردن به پروردگارشان دریافت نکرده‌اند.» تفسیر قرآن با سنت به دو دسته تقسیم می‌شود:

(تفسیر نبوی: تفسیری که پیامبر (صل الله علیه وسلم) در آن، آیه را به صراحت تفسیر کرده است.

(تفسیر با سنت: تفسیری که در آن، مفسر با اجتهاد خود به تفسیر می‌پردازد.

۳ - سخنان صحابه: قرآن در زمان صحابه و به زبان آن‌ها نازل شده است. بنابراین، برای تفسیر قرآن باید به صحابه‌ای که در این زمینه مشهور هستند، مراجعه کرد. البته، صحابه از نظر دانش، درجات مختلفی دارند.

۴- سخنان تابعین: تابعین کسانی هستند که تفسیر قرآن را از صحابه آموخته‌اند. آن‌ها از کسانی که بعد از آن‌ها آمده‌اند، برتر و از هوا و هوس دورتر هستند. همچنین، زبان عربی در زمان آن‌ها تغییر چندانی نکرده بود. اجماع تابعین برای کسانی که بعد از آن‌ها آمده‌اند، حجت است.

۵- معانی شرعی و لغوی کلمات: در تفسیر قرآن، ابتدا باید معانی شرعی کلمات را در نظر گرفت، مگر آنکه دلیلی بر اراده معنای لغوی وجود داشته باشد.

اقسام اختلاف در تفسیر مآثور:

- (۱) اختلاف در لفظ، نه در معنا: این نوع اختلاف، تأثیری بر معنا ندارد.
- (۲) اختلاف در لفظ و معنا، در حالی که آیه هر دو معنا را داشته باشد: در این صورت، آیه بر هر دو معنا حمل می‌شود؛ زیرا تضادی بین آن‌ها وجود ندارد.
- (۳) اختلاف در لفظ و معنا، در حالی که آیه نتواند هر دو معنا را داشته باشد: در این صورت، با توجه به سیاق و سایر قرائن، یکی از دو معنا ترجیح داده می‌شود.

شرایط مفسر قرآن:

- ۱- سلامت عقیده.
- 2- دوری از هوا و هوس.
- ۳- آگاهی از اصول تفسیر.
- ۴- دانش حدیث، هم از نظر روایت و هم از نظر درایت.
- ۵- دانش اصول دین.

۶- دانش اصول فقه.

۷- دانش زبان و علوم آن.

دو قاعده مهم:

قاعده اول: باب بیان معانی قرآن توسط قرآن، سنت، صحابه و تابعین مشخص شده است. بنابراین، اگر صحابه و تابعین در مورد دو قول اختلاف داشته باشند، ایجاد قول سومى جایز نیست، برخلاف باب استدلال و استنباط.

قاعده دوم: باب بیان معانی در تفسیر قرآن کریم، محدودتر از باب استدلال است.

فواید:

۱- اختلاف در تفسیر قرآن کریم بسیار کمتر از اختلاف در احکام فقهی است؛ زیرا تفسیر قرآن به معنای تبیین معانی الفاظ و مراد خداوند عزوجل از آنهاست، در حالی که احکام فقهی مبتنی بر اجتهاد هستند.

۲- قرآن کریم برای هدایت نازل شده است، نه صرفاً برای دانستن الفاظ؛ زیرا خداوند آن را برای هدایت مردم نازل کرده است تا آنها را به وسیله آن از تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد. ﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ ابراهیم

ابن عباس می گوید:

تفسیر بر چهار وجه است: ۱) وجهی که عرب‌ها از کلام خود می‌دانند، ۲) تفسیری که هیچ کس در ندانستن آن معذور نیست، ۳) تفسیری که علما آن را می‌دانند، ۴) تفسیری که فقط خداوند آن را می‌داند.

قواعد تفسیر:

قواعد تفسیر عبارتند از: (اصول کلی و منضبطی که مفسر در تفسیر خود از آنها استفاده می‌کند) و به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱ - قواعد عام: قواعدی که مفسر می‌تواند هنگام تفسیر هر آیه‌ای از قرآن از آنها استفاده کند.

۲- قواعد ترجیح: قواعدی که هنگام ترجیح بین اقوال مختلف به کار می‌روند.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

۱- گرامی‌ترین و شریف‌ترین علوم، تفسیر/فقه است.

۲- تفسیر عبارت است از: بیان قصص قرآنی/دانش احکام قرآن/دانش معانی قرآن.

۳- گوینده این سخن که پیامبر (ص) تمام قرآن را تفسیر کرده است: ابن جوزی/ابن تیمیه/رازی.

۴- قواعد و اصولی که تفسیر بر آن‌ها استوار است، عبارتند از: اصول تفسیر/علوم قرآن/مناهج تفسیر/همه موارد ذکر شده.

۵- سخنان چه کسانی در تفسیر حجت است، اگر با هم اتفاق داشته باشند: صحابه/تابعین/هر دو/هیچ کدام.

۶- مفسر قرآن به منزله: مترجم از جانب خدا/شاهد بر آن/همه.

۷- مرجع در تفسیر: قرآن/سنت/اقوال صحابه/اقوال تابعین/معانی لغوی و شرعی/همه موارد.

۸- نزاع بین صحابه در تفسیر: بسیار/کم/هیچ/نزاعی نبوده است.

۹- صحابه ده آیه از قرآن را می‌خواندند و از آن فراتر نمی‌رفتند تا زمانی که علم و عمل به آن را فرامی‌گرفتند: درست/نادرست.

۱۰- علما اجماع دارند بر این که آموختن تفسیر: فرض عین/سنت/فرض کفایه/برخی از آن فرض عین و برخی فرض کفایه است.

۱۱- آیه ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ﴾ بر معنای (لغوی/شرعی) نماز حمل می‌شود.

۱۲- اختلاف وارد شده در تفسیر مأثور عبارت است از: فقط در لفظ/فقط در معنا، در حالی که هر دو معنا محتمل باشند/در لفظ و معنا، در حالی که هر دو معنا غیر محتمل باشند/همه موارد.

۱۳- آیه را با تفسیر آن از قرآن یا سنت وصل کنید:

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ﴾	النَّجْمُ النَّاقِبُ
﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾	پیامبر (صل الله علیه وسلم) قوه را به تیراندازی تفسیر کردند.
﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾	تَهْرُ وَعَدَيْهِ رَبِّي
﴿جِبَارَةً مِنْ طِينٍ﴾	مِنْ سَجِيلٍ مَنْصُودٍ

ترجمه قرآن

معنی ترجمه: بیان کلام به زبانی دیگر.

انواع ترجمه قرآن:

- ۱) ترجمه تحت اللفظی (حرفی): به این صورت که ترجمه هر کلمه ای دقیقا در مقابل آن قرار گیرد. این نوع ترجمه امکان پذیر نیست. زیرا در زبانی که به آن ترجمه می شود، شرط هایی لازم است که تحقق آنها ممکن نیست:
- الف) وجود واژگان منفرد در آن زبان، در مقابل حروف عربی.
- ب) وجود ابزارهایی برای معانی، مساوی یا مشابه با زبان عربی.
- ج) یکسان بودن دو زبان مبدأ و مقصد در ترتیب کلمات.
- و حتی اگر این شرط ها محقق شوند، ترجمه تحت اللفظی همچنان حرام است.

2) ترجمه تفسیری (معنوی): به این صورت که معنای کلام بیان شود. و این نوع ترجمه:

- الف) در اصل جایز است؛ زیرا منعی در آن نیست.
- ب) در صورتی که رساندن شریعت متوقف بر آن باشد، واجب می شود.

شرایط چهارگانه جواز ترجمه معنوی:

- سه مورد آن مخصوص به حکم ترجمه و مورد دیگر نیست.
- ۱- اینکه جایگزین قرآن قرار نگیرد، به طوری که به آن بی نیازی حاصل شود.
- ۲- مترجم به معانی الفاظ آگاه باشد.
- ۳- به معانی الفاظ شرعی دانا باشد.
- ۴- مترجم مورد اعتماد باشد، یعنی مسلمان و درستکار باشد.

تذکرات مهم:

- ۱- شایسته است که صفحه قرآن به زبان عربی همراه با ترجمه آن آورده شود؛ تا برای خواننده مفیدتر باشد.
- ۲- باید به شدت از انتشار ترجمه های غیر موثق یا غیر بازبینی شده توسط متخصصان پرهیز شود، زیرا برخی از آنها اشتباهات فاحشی دارند.
- ۳- شایسته است که یک تفسیر معتبر برای مراجعه در ترجمه تعیین شود، مانند تفسیر سعدی (رحمه الله)

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

- ۱- اگر قرآن کریم تفسیر یا ترجمه شود، آیا تفسیر و ترجمه آن، قرآن نامیده می‌شوند؟

قرآن نامیده می‌شوند/ قرآن نامیده نمی‌شوند.

۲- منظور از ترجمه قرآن، بیان آن به زبانی دیگر است. صحیح/ نادرست

۳- از انواع ترجمه قرآن:

ترجمه تحت اللفظی است و غیر ممکن است/ترجمه معنوی است و آن در اصل جایز است و گاهی واجب می‌شود.

هر دو مورد صحیح است.

۴- نماز خواندن با تفسیر قرآن یا به زبانی غیر از عربی (جایز / جایز نیست)

۵- (ممکن است / ممکن نیست) قرآن را به گونه‌ای ترجمه کرد که از نظر زیبایی بیان، بلندی اسلوب، زیبایی ساختار، استحکام نظم و معجزه بودن، همتای آن باشد و بتواند جایگزین آن در تحقق همه اهدافش شود.

۶- (ممکن است / ممکن نیست) که عالم، آنچه را که از معانی قرآن فهمیده است، بر حسب وسع و توان خود به زبان دیگری بیان کند تا هدایت قرآن و احکام استنباط شده از آن و عبرت‌ها و پندهای آن را برای اهل آن زبان روشن سازد، اما شرح او از آن زبان غیر عربی، قرآن (محسوب می‌شود / محسوب نمی‌شود) و از هر جهت در جایگاه آن قرار (می‌گیرد / نمی‌گیرد)؛ بلکه مانند تفسیر قرآن به زبان عربی در نزدیک کردن معانی و کمک به اعتبار و استنباط احکام است و آن تفسیر، قرآن (نامیده می‌شود / نامیده نمی‌شود) و بر این اساس، مسّ ترجمه معانی قرآن به زبانی غیر از زبان عربی برای جنب و کفار (جایز است / جایز نیست)

۷- مترجم به ترجمه قرآن (تکیه می‌کند / مستقیماً به تفسیر عربی مراجعه می‌کند)

۸- ترجمه معانی قرآن در واقع تفسیر آن است، اما ترجمه الفاظ آن جایز نیست. صحیح/ نادرست

۹- باید / نباید از ترجمه‌های خاورشناسان از معانی قرآن پرهیز کرد.

۱۰- مترجم باید به زبان عربی به عنوان زبان مبدأ و زبانی که به آن ترجمه می‌کند، مسلط باشد. صحیح/ نادرست

۱۱- ترجمه‌های نادرست قرآن باید اصلاح شوند و نباید رها شوند. صحیح/ نادرست

۱۲- بهتر است که مردم را به یادگیری زبان عربی برای فهم معانی قرآن و تدبیر در آن تشویق کنیم، و اگر همه آن قابل درک نباشد، بخش اعظم آن نباید ترک شود، و خواندن ترجمه (درست / نادرست) است.

۱۳- اگر ترجمه، برخی از جنبه‌های اعجاز لفظی قرآن را پنهان کند، نمی‌تواند اعجاز معنوی آن را پنهان کند

مشاهیر مفسران

مفسران مشهور از صحابه:

خلفای راشدین: ابوبکر، عمر، عثمان، علی رضی الله عنهم
معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه
عبدالله بن عباس رضی الله عنه
عبدالله بن مسعود رضی الله عنه
ابی بن کعب رضی الله عنه
مفسران مشهور از تابعین

مدرسه تفسیر مکه (شاگردان ابن عباس رضی الله عنه):

سعید بن جبیر رحمه الله
مجاهد بن جبر رحمه الله
عکرمه بن عبدالله، غلام ابن عباس رحمه الله
طاوس بن کیسان رحمه الله
عطاء بن ابی رباح رحمه الله

مدرسه تفسیر مدینه (شاگردان ابی بن کعب رضی الله عنه):

ابوالعالیه رفیع بن مهران ریاحی رحمه الله
محمد بن کعب قرظی رحمه الله
زید بن اسلم رحمه الله

مدرسه تفسیر عراق (شاگردان ابن مسعود رضی الله عنه):

علقمه بن قیس رحمه الله
اسود بن یزید رحمه الله
مره همدانی رحمه الله
عامر شعبی رحمه الله
مسروق بن اجدع رحمه الله

حسن بصری رحمه الله
قتاده بن دعامه

قاعده مهم در تفسیر صحابه:

قول صحابی در امور غیبی با دو شرط پذیرفته می شود:

- ۱- خبر، شائبه اسرائیلیات نداشته باشد.
- ۲- راوی، به اخذ از بنی اسرائیل مشهور نباشد.

تذکر:

هیچ آیه ای از قرآن نیست مگر اینکه صحابه و تابعین آن را تفسیر کرده باشند، اما کتاب خداوند همواره غرائب و عجایب خود را برای آیندگان آشکار می سازد، به میزانی که خداوند بر آنها می گشاید.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

- ۱- مدرسه مدینه بر پایه آرای چه کسانی استوار بود؟
ابی بن کعب/ علی بن ابی طالب/ ابوهریره/ انس بن مالک/ رضی الله عنهم
- ۲- کدام صحابی است که پیامبر (ص) در مورد او فرمود: «خداوندا، او را در دین فقیه کن و تأویل را به او بیاموز»؟
ابن عباس/ ابی بن کعب/ عثمان بن عفان/ ابن مسعود
- ۳- چه کسی از این افراد، بیشترین روایات تفسیری را نقل کرده است؟
ابوبکر/ عمر/ ابن عباس رضی الله عنهم

۴- سخنان تابعین در تفسیر:

- حجت نیست./ حجت است برای کسانی که بعد از آنها آمده‌اند.
- ۵- سلف عبارتند از: صحابه و تابعین/ اهل سه قرن برتر.
 - ۶- ابن مسعود رضی الله عنه به دانش (ناسخ و منسوخ / اسباب نزول / لغات عرب) مشهور بود.
 - ۷- تفسیری که از صحابه نقل شده است، حکم (مرفوع / موقوف / مقطوع) را دارد.
(اقوال صحابه انواع مختلفی دارد)

۸- اگر صحابه در تفسیر اختلاف داشته باشند، اقوال آنها:

حجت نیست/حجت است/بین آنها ترجیح داده می‌شود/هیچکدام.

۹- علقمه بن قیس رحمه الله از شاگردان مدرسه (کوفه / مدینه / مکه) بود.

۱۰- مجاهد بن جبر رحمه الله از شاگردان مدرسه (کوفه / مدینه / مکه) بود.

۱۱- بیشتر اختلاف صحابه در تفسیر از نوع اختلاف (تنوع / تضاد) است.

۱۲- سلف از سخن گفتن در تفسیر بدون علم یا ایجاد قول جدید در آن خودداری می‌کردند. صحیح/ نادرست

۱۳- از جمله اقوال منقول: «قرآن را بر این عباس عرضه کردم و در هر آیه ای او را متوقف می‌کردم و از آن می‌پرسیدم.» این سخن از کیست؟ عکرمه/سعید بن جبیر/مجاهد

۱۴- ثوری می‌گوید: «هرگاه تفسیر از ... به تو رسید، آن برایت کافی است.» منظور او کیست؟

عکرمه/سعید بن جبیر/مجاهد

۱۵- قول صحابی در امور غیبی با این شرط پذیرفته می‌شود که:

خبر، شائبه اسرائیلیات نداشته باشد/راوی، به اخذ از بنی اسرائیل مشهور نباشد./ هر دو مورد.

۱۶- صحابه و تابعین تمام قرآن را تفسیر کرده‌اند. صحیح/ نادرست

اطلاعاتی درباره کتاب‌های تفسیر

مشهورترین کتاب‌های تفسیر مأثور:

جامع البیان فی تفسیر القرآن از ابن جریر طبری رحمه الله.

معالم التنزیل از ابومحمد حسین بغوی رحمه الله.

تفسیر القرآن العظیم از ابوالفداء حافظ ابن کثیر رحمه الله.

تیسیر الکریم الرحمن از سعدی رحمه الله.

مشهورترین کتاب‌های تفسیر به رأی جایز:

البحر المحيط از ابوحيان اندلسی رحمه الله.

تفسیر الجلالین از محلی و سیوطی رحمهما الله.

تذکر:

مطالعه کتاب‌های تفسیر به رأی، جز برای طالب علم متبحر، جایز نیست. طالب علمی که مذاهب اهل انحراف و گمراهی را می‌شناسد و از آنها دوری می‌کند. اما عوام و مبتدیان باید از این کتاب‌ها دوری کنند، همانطور که از نویسندگان آنها دوری می‌کنند؛ تا شبهات مانند روغن به آنها نچسبد و در آن واقع نشوند.

نحوه مطالعه کتاب‌های تفسیر:

آغاز کردن با مطالعه کتاب‌های تفسیر مآثور.
آغاز کردن با کتاب‌های مختصر قبل از کتاب‌های مفصل؛ تا ذهن دچار پراکندگی نشود.
مطالعه بر اساس یک مکتب تفسیری واحد؛ تا اطلاعات با هم مخلوط نشوند.
آغاز کردن با تفسیر سوره‌هایی که برای او جذاب هستند؛ مانند سوره قصص.
تنوع در شیوه دریافت؛ گاهی با خواندن، گاهی با شنیدن تفسیر صوتی و گاهی با جمع بین این دو.
یادداشت کردن فواید؛ زیرا یادداشت کردن فواید مانند بستن بند برای شکار است که از فرار آن جلوگیری می‌کند.
تدبر در آیات قرآن؛ زیرا این کار ملکه استنباط را در او پرورش می‌دهد و خداوند از این طریق فتوحات را بر او می‌گشاید.
تلاش برای استنباط فواید بدون انتشار آنها، برای تمرین استنباط، سپس مراجعه به تفسیر برای اطمینان از درستی استنباط.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

- ۱- نوعی از تفسیر که اختصار در گفتار و وفاداری به معنا بر آن غالب است: تفسیر تابعین/تفسیر فقهی/تفسیر متأخرین/تفسیر نبوی
- ۲- تفسیر آیات الاحکام و استنباط از آنها، (تفسیر مآثور / تفسیر فقهی / تفسیر علمی) نامیده می‌شود.
- ۳- هنگام تعارض اقوال مفسران، (بین آنها جمع می‌کنیم / ترجیح می‌دهیم / توقف می‌کنیم
- ۴- ابن جریر طبری در تفسیر خود به (مآثور / مآثور و نقد و ترجیح بین اقوال / احکام فقهی) توجه کرده است.
- ۵- گسترش دلالت برخی آیات با توجه به حقایق علمی ثابت شده، (تفسیر عقلی / تفسیر بیانی / تفسیر علمی) نامیده می‌شود.

۶- از مهمترین تألیفات در تفسیر مأثور:

جامع البیان طبری/مفاتیح الغیب رازی/کشف زمخشری

۷- بهتر است: به یک تفسیر اکتفا شود./ از تفاسیر متعدد استفاده شود.

۸- بهتر است مطالعه تفاسیر با تفاسیر (آسان / نزدیک / مفصل) آغاز شود.

۹- علما تفسیر علامه عبدالرحمن سعدی رحمه الله را توصیه می‌کنند.

صحیح/ نادرست

۱۰- اقوال و اختلافات در تفسیر هرگز زیاد نمی‌شود.

صحیح/ نادرست

۱۱- کتاب‌های تفسیر به رأی:

مطالعه آنها برای همه ممکن است/ مطالعه آنها مطلقاً ممنوع است./ مطالعه آنها برای طالب علم متبحر ممکن است.

۱۲- کتاب تفسیر را به نویسندگان وصل کنید:

جامع البیان فی تفسیر القرآن	ابو محمد حسین بغوی رحمه الله
ابو الفداء حافظ ابن کثیر رحمه الله	معالم التنزیل:
تفسیر القرآن العظیم	ابو حیان اندلسی رحمه الله:
تفسیر الکریم الرحمن	ابن جریر طبری رحمه الله:
البحر المحیط	المحلی و سیوطی رحمهما الله:
تفسیر الجلالین	عبدالرحمن بن ناصر سعدی رحمه الله:

قسمت چهارم: مسائل گوناگون

محکم و متشابه

قرآن به این صورت توصیف شده است:

۱- ﴿الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ حَبِيبٍ﴾ هود ۱؛ یعنی، در الفاظ و معانی استوار است، در اخبارش راست و در احکامش عادل است.

2- ﴿كِتَابًا مُتَشَابِهًا﴾ الزُّمَر/ 23: کتابی است که بعضی از آن شبیه بعضی دیگر است در کمال، خوبی، استواری و احکام....

﴿ مِنْهُ ءَايَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ﴾ آل عمران/ 7: بخشی از آن محکم و بخشی از آن متشابه است: بخشی از آن آیات محکم است که اساس کتاب هستند و بخش دیگر متشابهات هستند؛ محکم، واضح و آشکار است و متشابه، پنهان است که حقیقت آن را راسخان در علم می‌فهمند نه دیگران.

آیا قرآن برتری دارد؟

1- از نظر گوینده: برتری ندارد؛ زیرا گوینده آن یکی است.

2- از نظر سبک و معنا: برتری دارد؛ به دلیل حدیث مسلم: «آیا می‌دانی کدام آیه از کتاب خدا که با تو است بزرگ‌تر است؟» گفت: آیه الکرسی.

حکمت وجود تشابه خاص:

اگر همه قرآن محکم بود، امتحان و آزمایش محقق نمی‌شد، و اگر همه آن متشابه بود، عمل به مضمون آن و بنای عقیده بر آن ممکن نبود.

انواع تشابه در قرآن:

- 1- حقیقی: و آن چیزی است که بشر نمی‌تواند آن را بداند؛ مانند حقایق صفات خداوند و چگونگی آن، پس سؤال کردن از آن جایز نیست؛ زیرا رسیدن به آن غیرممکن است.
- 2- نسبی: و آن چیزی است که برای برخی از مردم متشابه است نه برای برخی دیگر، پس سؤال کردن از آن از اهل علم جایز است نه از نادانان.

تذکر:

در قرآن چیزی مجهول وجود ندارد که معنای آن برای هیچ‌کس آشکار نباشد، خداوند متعال فرمود: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» [آل عمران: ۱۳۸].

نمونه‌های تشابه خاص در قرآن:

نمونه‌های آن بسیار زیاد است، و شیخ محمد الامین شنقیتی رحمه الله تعدادی از نمونه‌های تشابه در آیات کتاب را در کتاب خود «دفع ایهام اضطراب از آیات کتاب» جمع‌آوری کرده و آنها را به محکم برگردانده است.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

- 1- گزاره «نصوص صفات از محکم است که معنای آن از نظر مفهوم روشن است و از متشابه مطلق است که فقط خدا آن را می‌داند از نظر کیفیت» صحیح/نادرست است.

- 2- معنای محکم وقتی به تنهایی ذکر شود: معنای آن روشن است. چیزی که در آن خلل نیست.
- 3- معنای متشابه وقتی به تنهایی ذکر شود: چیزی که بعضی از آن از نظر کیفیت و کمال شبیه بعضی دیگر است.
- 4- تشابه نسبی از همه پنهان است، و مطلق از برخی پنهان است نه از همه.
- 5- در قرآن چیزی وجود ندارد که رسیدن به معنای آن ممکن نباشد: صحیح.
- 6- در قرآن چیزی متشابه بر همه مردم از نظر معنا وجود ندارد (صحیح / غلط)، اما در مورد حقایق، آنچه خداوند از امر غیب خبر داده است، بر () برخی از همه مردم متشابه است.
- 7- از بدترین سخنان اهل بدعت این است که آیات صفات معنای آن را نمی‌فهمند؛ زیرا این به معنای نادان دانستن پیامبر ﷺ و صحابه رضی الله عنهم و تکذیب قرآن و زیاده‌روی فلاسفه است... غلط.
- 8- از نشانه‌های اهل باطل این است که محکم را می‌پذیرند و متشابه را انکار می‌کنند: صحیح / غلط.
- 9- تشابه در قرآن: حقیقی / نسبی / همه.
- 10- اگر همه قرآن محکم بود (امتحان محقق نمی‌شد / عمل به مضمون آن ممکن نبود)، و اگر همه آن متشابه بود (امتحان محقق نمی‌شد / عمل به مضمون آن ممکن نبود).
- 11- الإحکام در کل قرآن با این آیه تفسیر می‌شود: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» و کلام پروردگار تو با صدق و عدل به انجام رسید. صحیح/ نادرست

قصص قرآن:

تعریف قصه:

خبر دادن از یک مسئله دارای مراحل، که بعضی از آنها به دنبال بعضی دیگر می‌آیند.

ویژگی‌های قصص قرآن:

- 1- راست ترین قصه‌ها: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا...» و چه کسی از خدا راست‌گوتر است؟ [نساء: 122]
- 2- بهترین آنها: «تَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ...» ما بهترین داستان را بر تو حکایت می‌کنیم [یوسف: 3].

3- سودمندترین آنها: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ... در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است» [یوسف: ۱۱۱].

قصص قرآن بر سه قسم است:

- ۱- داستان پیامبران و فرستادگان پیشین: مانند داستان نوح و دیگران.
- ۲- داستان افراد و گروه های قبل از پیامبر ﷺ: مانند داستان مریم و لقمان...
- ۳- داستان حوادث و اقوام در زمان پیامبر ﷺ: مانند داستان بدر و احد...

از نمونه های برتری بین قصص قرآن:

- 1- داستان موسی: بهترین داستان به طور مطلق و بیشترین ذکر را دارد.
- 2- داستان یوسف: بهترین داستان به اعتبار صبر و تقوای او هنگام آزمایش و به اعتبار سرانجام نیکوی او در دنیا.
- 3- داستان ذوالقرنین: بهترین داستان پادشاهان.
- 4- داستان اصحاب کهف: بهترین داستان اولیای خدا در آن زمان.

حکمت از قصص قرآن:

- ۱- بیان حکمت خداوند متعال در آنچه این قصص در بر دارند.
- ۲- بیان عدالت خداوند متعال در مجازات تکذیب کنندگان و فضل او در پاداش مؤمنان.
- 3- تسلی دادن پیامبر ﷺ از آنچه از تکذیب کنندگان به او رسید.
- 4- شویق مؤمنان به ایمان و پایداری بر آن و افزایش آن.
- 5- هشدار دادن به کافران از ادامه کفرشان.
- 6- اثبات رسالت پیامبر ﷺ.

حکمت از تکرار قصص در قرآن:

- 1- رعایت اهمیت داستان.
- 2- تاکید داستان برای ثابت شدن در قلب ها.
- 3- بیان زمان و حال مخاطبان.
- 4- بیان بلاغت قرآن در ظهور قصص بر حسب اقتضای حال.
- 5- آشکار شدن راستی قرآن و اینکه از جانب خداست؛ به دلیل عدم تناقض همراه تکرار.

تذکر:

قصص قرآن بسیار زیاد است و همه آنها مفید هستند، و افراد زیادی در این زمینه تالیف کرده اند، اما برخی از آنها مطالب درست و نادرست را با هم مخلوط کرده اند، پس باید از آنها دوری کرد.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

- 1- داستان (موسی / یوسف) بزرگترین داستان قرآن است.
- 2- هدف واقعی از پرداختن قرآن به داستان: پند و عبرت است و آن کلی تر است. بیان احکام در مورد کسی که معتقد است شرع پیشینیان شرع ما نیز هست / نقل تاریخ امت ها و پیامبران و اشخاص / الف و ب.
- 4- قصص قرآن (بهترین / راست ترین / سودمندترین / همه) قصص است.
- 5- چرا داستان یوسف بهترین داستان نامیده شد؟ زیرا شامل دنیایی کامل از عبرت ها و حکمت ها است / زیرا یوسف از برادرانش گذشت و بر آنها صبر کرد. زیرا در آن ذکر پیامبران و صالحان، عفت و گمراهی، سرگذشت پادشاهان و مملکت ها، مردان و زنان، حيله زنان و مکر آنها آمده است، و در آن ذکر توحید، فقه و تعبیر خواب ها آمده است. زیرا سرانجام هر کس که در آن بود، به سعادت ختم شد / همه موارد.
- 6- قرآن عزیز کتاب تاریخ نیست که در آن داستان ها نقل شود و وقایع به ترتیب ذکر شود، بلکه کتاب هدایت و رحمت برای جهانیان است: صحیح/ نادرست
- 7- از قصص قرآن کریم، نقل تاریخ امت ها یا اشخاص اراده نشده است، بلکه عبرتی برای مردم است (صحیح/ نادرست)، و مهم ترین عبرت های آن (توجه به سنت های خداوند متعال در اجتماع بشری / تاثیر اعمال خیر و شر در زندگی انسانی / همه موارد) است.
- 8- قرآن بر قانون تاریخ (بنا نشده است / بنا شده است).
- 9- داستان های پیامبران در قرآن به طور کامل و با جزئیات ذکر نشده است، بلکه فقط محل عبرت از آنها ذکر شده است؛ مگر داستان یوسف: صحیح/ نادرست.

10- داستان را به وجه برتری آن وصل کنید:

داستان موسی:	بهترین داستان پادشاهان.
داستان یوسف:	بهترین داستان به اعتبار صبر و تقوا و سرانجام نیکو.
داستان ذوالقرنین:	بهترین داستان اولیای خدا در آن زمان.

اسرائیلیات:

معنای اسرائیلیات:

اخباری است که از بنی اسرائیل نقل شده است، و باید از آنها دوری کرد، به ویژه اگر شامل عیب یا طعنه زدن به یکی از پیامبران باشد.

انواع اسرائیلیات:

- 1- آنچه اسلام آن را تایید و تصدیق کرده است: پس آن حق است و پذیرش و تصدیق آن واجب است.
- 2- آنچه اسلام آن را انکار و تکذیب کرده است: پس آن باطل است و انکار و تکذیب آن واجب است.
- 3- آنچه اسلام آن را تایید نکرده و انکار هم نکرده است، پس واجب است در مورد آن توقف کرد.

حکم سوال کردن از بنی اسرائیل

سوال از اهل کتاب در مورد امور دین جایز نیست، ابن عباس رضی الله عنه گفت: «چگونه از اهل کتاب چیزی می پرسید، در حالی که کتاب شما که خداوند بر پیامبرتان نازل کرده، تازه ترین اخبار از جانب خداست و خالص است و با چیزی مخلوط نشده است؟»

دیدگاه های علما در مورد اسرائیلیات:

- 1- کسی که به طور گسترده از آن نقل کرده است همراه با اسنادش، و معتقد است که با ذکر اسناد از مسئولیت آن خارج شده است؛ مانند ابن جریر طبری رحمه الله.
- 2- کسی که به طور گسترده از آن نقل کرده است بدون ذکر اسناد؛ مانند بغوی رحمه الله، و این رتبه کمتری از اولی دارد.
- 3- کسی که بسیاری از آنها را ذکر کرده است، و برخی از آنچه را که ذکر کرده است، تضعیف یا انکار کرده است؛ مانند ابن کثیر رحمه الله، و این بهتر از قبلی است.
- 4- کسی که در رد آن به طور کلی مبالغه کرده است، مانند برخی از معاصران.

تذکرات در مورد برخورد با اسرائیلیات:

شایسته نیست که اسرائیلیات ذکر شود مگر به ندرت، با ضرورت تذکر دادن در مورد صحت آن، و در هنگام صحیح بودن قول، نیازی به ضعیف وجود ندارد. می توان از اسرائیلیات در آداب و زهد و پرهیزگاری یا در داستان هایی که مناسب با چیزهایی در قرآن یا سنت هستند، استفاده کرد. استفاده از اسرائیلیات برای روشن کردن و تقویت معنا، و تفصیل دادن به آنچه در کتاب و سنت به طور کلی آمده است، و برای پند گرفتن جایز است.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

- 1- نقل اندکی از اسرائیلیات، روش (تابعین / صحابه / مکتب عقلی / هیچ کدام از موارد ذکر شده) بود.
- 2- نقل اسرائیلیات توسط صحابه با (فراوانی / کمی / میانه روی) مشخص شد.
- 3- اخباری که از اهل کتاب نقل شده است، (موقوفات / مقطوعات / اسرائیلیات) نامیده می شود.
- 4- اخبار بنی اسرائیل بر (دو قسم / سه قسم / چهار قسم) است.
- 5- اخباری از بنی اسرائیل که شرع ما آن را تصدیق کرده است، ما: از آنچه در شرع خودمان آمده است بی نیاز می شویم / از آن برای روشنگری و بیان کلی، آنچه را که نیاز داریم، می گیریم / از آن برای پند گرفتن و بهره برداری، آنچه را که نیاز داریم، می گیریم / همه موارد.
- 6- اخباری از بنی اسرائیل که شرع ما در مورد آن سکوت کرده است: آن را تصدیق می کنیم / آن را تکذیب می کنیم / نه آن را تصدیق می کنیم و نه آن را تکذیب می کنیم، و نقل آن برای عبرت و پند و تقویت جایز است.
- 7- مردم در مورد اسرائیلیات به دو گروه و یک گروه میانه تقسیم شدند: صحیح/ نادرست.
- 8- بیشتر آنچه از بنی اسرائیل روایت شده است، فایده ای در دین ندارد؛ مانند تعیین رنگ سگ اصحاب کهف و مانند آن: صحیح/ نادرست.
- 9- باید از اسرائیلیات دوری کرد، به ویژه اگر شامل عیب یا طعنه زدن به یکی از پیامبران باشد؛ مانند آنچه در داستان داوود و سلیمان آمده است: صحیح/ نادرست.
- 10- بنی اسرائیل همان /یهود / نصاری هستند / همه.
- 11- بیم آن می رود که مردم به اسرائیلیات روی آورند و آنچه در قرآن و سنت آمده است را رها کنند: صحیح/ نادرست.

12- حکم سوال کردن از اهل کتاب در مورد چیزی از امور دین: جایز است / جایز نیست.

13- شایسته نیست که اسرائیلیات مگر به ندرت ذکر شود، پس ما در مورد آن میانه روی می‌کنیم با ضرورت تذکر دادن در مورد صحیح و باطل آن: صحیح/ نادرست.

14- نیازمندی را به غیر آثار رسول خدا صلی الله علیه وسلم را نمی‌یابی، مگر کسی که در شناخت و پیروی از آن آثار، ضعیف باشد. صحیح/ نادرست

15- گوینده این سخن: «چگونه از اهل کتاب چیزی می‌پرسید...» او: ابن عباس رضی الله عنه / ابن مسعود رضی الله عنه / ابن جریر طبری رحمه الله است.

مجاز در قرآن:

کلام به موارد زیر تقسیم می‌شود:

ترکیب: اسم/ فعل/ حرف

امکان وصف آن به صدق: خبر/ انشاء

کاربرد: حقیقت: به کار بردن لفظ در معنایی که در لغت برای آن وضع شده است. مجاز: گرداندن لفظ از معنای ظاهری آن به معنایی غیر راجح به قرینه.

در وجود مجاز سه قول مختلف وجود دارد، و قول راجح:

آن است که نه در قرآن و نه در غیر آن مجاز وجود ندارد. این قول توسط ابواسحاق اسفراینی و از متأخرین علامه محمد الامین شنقیتی بیان شده است. شیخ الاسلام ابن تیمیه و ابن قیم نیز بیان کرده‌اند که این اصطلاحی نوظهور است که پس از گذشت سه قرن برتر پدید آمده است و با ادله‌ای قوی آن را تأیید کرده‌اند که نشان می‌دهد همین قول صحیح است.

ادله‌ای بر اینکه نه در کتاب (قرآن)، نه در سنت و نه در لغت مجاز وجود ندارد:

قول به مجاز بدعتی است که پس از انقراض قرون برتر پدید آمده است.

مجاز بت فلاسفه است (قوی‌ترین حجت برای آن‌ها).

بستن راه بر کسانی که می‌خواهند با نصوص بازی کنند.

از قوی‌ترین ادله بر بطلان آن این است که امکان نفی آن وجود دارد.

اهل لغت زبان‌شناسان تصریح نکرده‌اند که عرب این تقسیم‌بندی را می‌دانسته است.

اگر مجاز را در لغت اثبات کنیم، لازم می‌آید که آن را در برخی از آیات قرآن نیز اثبات کنیم، و اگر آن را در برخی از آیات قرآن اثبات کنیم، لازم می‌آید که آن را در تمام قرآن اثبات کنیم.

قواعد مهم در مورد مجاز:

قول به نفی مجاز، روش سلف صالح و قرون برتر بوده است. سپس اگر از اهل سنت کسانی را یافتیم که مجاز را در لغت اثبات می‌کنند، بدون شک آن را در آیات مربوط به اسماء و صفات الهی نفی می‌کنند.

اگر در اثبات مجاز، یا ادعای اینکه در قرآن چیزی غیر عربی وجود دارد، ایرادی به کتاب خداوند وارد می‌شد، مشرکان عرب به آن استدلال می‌کردند.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

مجاز: به کار بردن لفظ در معنایی که برای آن وضع شده است/ گرداندن لفظ از معنای ظاهری آن/ هر دو صحیح است

از نمونه‌های مجاز نزد قائلین به آن: شیری را در جنگل دیدم/ فلانی در جنگ‌ها شیر است. / هر دو صحیح است

قول به مجاز در عصر صحابه و تابعین وجود داشت: صحیح/ نادرست

کسانی که به مجاز قائل بودند و در استفاده و استدلال به آن توسع ورزیدند، فلاسفه ملحد و پیروان آن‌ها بودند: صحیح/ نادرست

اگر از اهل سنت کسی را یافتیم که قائل به اثبات مجاز باشد، پس ناگزیر باید در ادله اسماء و صفات نیز به آن قائل باشد: صحیح/ نادرست

به دلیل اینکه مشرکان عرب به مجاز بر پیامبر صلی الله علیه وسلم استدلال نکردند: صحیح/ نادرست

از ادله بر بطلان قول به مجاز این است که امکان نفی آن وجود دارد: صحیح/ نادرست

مجاز نزد قائلین به آن از اقسام کلام به اعتبار: / ترکیب. / امکان وصف آن به صدق. / استعمال. / همه موارد

سلف و قرون برتر بر نفی مطلق مجاز بودند: صحیح/ نادرست.

هیچ یک از اهل سنت به اثبات مجاز در آیات اسماء و صفات قائل نشده است: صحیح/ نادرست

خبر آن است که ذاتاً امکان وصف آن به صدق و کذب وجود دارد، و آنچه در قرآن و سنت از اخبار آمده مستثنی است: صحیح/ نادرست

علمای لغت اجماع کرده‌اند که عرب کلام را به حقیقت و مجاز تقسیم کرده است:
 صحیح/ نادرست
 علامه محمد الامین شنقیطی نفی مطلق مجاز را برگزید: صحیح/ نادرست
 کلام از حیث

ترکیب به:	(1) خبر (2) انشاء تقسیم می‌شود
امکان وصف آن به صدق و عدم آن به:	(1) اسم، (2) فعل، (3) حرف تقسیم می‌شود
استعمال به:	(1) حقیقت، (2) مجاز تقسیم می‌شود.

قسم:

تعریف

(تاکید یک سخن یا یاد کردن چیزی بزرگ به شکل خاص).

جایز است قسم به:

(۱) الله: و این بیشتر است.

(۲) آنچه مختص به او از نام‌ها است: مانند رحمان و رحیم و امثال آن.

(۳) صفات معنوی، مانند علم و قدرت و امثال آن.

(۴) صفات خبری، که با آن از ذات او تعبیر می‌شود؛ مانند وجه، اما آنچه با آن از ذات

تعبیر نمی‌شود، قسم خوردن به آن جایز نیست؛ مانند دست و چشم.

ارکان قسم:

(۱) قسم خورنده: و او الله جل جلاله، یا بنده است.

(۲) قسم خورده شده به: و آن چیزی است که نزد قسم خورنده بزرگ شمرده می‌شود،

پس بنده جز به الله قسم نمی‌خورد، و الله عز وجل به خودش و مخلوقات بزرگش قسم می‌خورد.

(۳) قسم خورده شده برای آن: و آن جواب قسم است، و جز چیز بزرگ نیست.

(۴) ادات قسم: و آن حروف قسم است: واو، باء و تاء.

انواع قسم:

(۱) آشکار.

(۲) پنهان.

اصول مهم:

(۱) اصل در قسم، ذکر قسم خورده شده به است: اما گاهی:

(الف) فقط آن حذف می‌شود، همانطور که در گفتارت می‌گویی: (به تو قسم می‌خورم که تلاش خواهی کرد).

(ب) هم آن و هم عامل آن با هم حذف می‌شوند: «لَتُسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ...» در آن روز حتماً پرسیده خواهید شد» [تکاثیر: ۸].

(۲) اصل در قسم، ذکر قسم خورده شده برای آن است: اما گاهی:

(الف) به طور جایز حذف می‌شود، همانطور که در «ق و القرآن المجید» [ق]، قسم خورده شده برای آن حذف شده و تقدیر آن: (قطعاً هلاک خواهند شد) است.

(ب) به طور واجب حذف می‌شود: اگر چیزی قبل از آن بیاید که از آن بی‌نیاز کند، مانند: (زید والله ایستاده است)، یا چیزی آن را احاطه کند که از آن بی‌نیاز کند، مانند: (زید والله ایستاده است).

قاعده:

هر قسمی در قرآن باید بین آن و قسم خورده شده برای آن مناسبتی باشد، اما این مناسبت ممکن است آشکار باشد یا پنهان.

فواید قسم:

(۱) بیان عظمت قسم خورده شده به، و به همین دلیل قسم خوردن به غیر خدا جایز نیست.

(۲) بیان اهمیت قسم خورده شده برای آن، و به همین دلیل قسم خوردن خداوند عز وجل به مخلوقی از مخلوقاتش، دلالت بر عظمت آن دارد.

پرسش‌های مربوط به مطالب قبلی

(۱) برای خداوند جایز است که به هر چه بخواهد از مخلوقاتش، از حیوان و جماد قسم بخورد، حتی اگر وجه حکمت در آن دانسته نشود: صحیح/ نادرست

(۲) قسم خوردن به: خداوند متعال / آنچه مختص به خداوند از نام‌ها و صفات اوست / صفات خداوند معنوی / صفات خداوند خبری که با آن از ذات او تعبیر می‌شود / صفات خداوند خبری که با آن از ذات او تعبیر نمی‌شود / همه موارد به جز آخری جایز است.

(۳) از ارکان قسم: قسم خورده شده به / ادات قسم / قسم خورده شده برای آن / قسم خورنده / همه موارد.

(۴) در آیه: «لَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ... در آن روز حتماً پرسیده خواهید شد» [تکاثّر: 8]، (قسم خورده شده برای آن ذکر شده است / قسم خورده شده به و عامل آن ذکر شده است / قسم خورده شده به و عامل آن حذف شده است).

(۵) در آیه: «و قرآن مجید» [ق: 2]: (قسم خورده شده برای آن به طور واجب حذف شده است / قسم خورده شده برای آن به طور جایز حذف شده است / قسم خورده شده برای آن ذکر شده است).

(۶) از فواید قسم: بیان عظمت قسم خورده شده به / بیان اهمیت قسم خورده شده برای آن / هر دو صحیح است.

(۷) ادات قسم عبارتند از: واو / باء / تاء / همه موارد.

(۸) حکم قسم خوردن بر قرآن: جایز است / جایز نیست؛ به دلیل عدم وجود دلیل بر آن.
(۹) هر قسمی در قرآن باید بین آن و قسم خورده شده برای آن مناسبت آشکاری باشد: صحیح / نادرست

(۱۰) خداوند متعال در قرآن به ذات مقدس خود قسم خورده است: صحیح / نادرست

(۱۱) برای ما جایز نیست که به غیر از خدا قسم بخوریم، و این با: نص / اجماع / همه موارد ثابت شده است.

(۱۲) خداوند متعال در موارد زیادی از قرآن به: خودش / قرآن کریم / مخلوقات بزرگش / همه موارد قسم خورده است.

(۱۳) خداوند متعال به ستارگان قسم خورده است و آن را قسمی عظیم نامیده است: صحیح / نادرست